

## زندگی نامه چهره های قرانی مصری



محمد تقی صرفی پور



عبدالباسط



عبدالباسط محمد عبدالصمد در سال ۱۹۲۷ در روستای «المزاعزه» یکی از توابع شهر ارمنت در استان قنا در جنوب مصر به دنیا آمد. نسب خانوادگی وی از کردهای مهاجری می باشد که به هنگام لشکرکشیهای صلاح الدین ایوبی به همراه وی به تعداد کثیری از ترکیه به مصر مهاجرت کردند. پدرش عبدالصمد یکی از مدرّسین حفظ و تجوید قرآن کریم بود. عبدالباسط در ۶ سالگی به مکتب القرآن در ارمنت رفت. در ۱۰ سالگی حافظ کل قرآن شد. پس از اینکه عبدالباسط به سن ۱۲ سالگی رسید از هر شهر و روستا در استان قنا و مخصوصاً از جانب اصفون المطاعنه دعوت هایی به سوی او روانه شد، چراکه گواهی استاد سلیم که به عبدالباسط اعطا شده بود نقطه اطمینان همه مردم بود.

عبدالباسط در سال ۱۹۵۰ به مراسمی که بر پا شده بود رفت. در آن مجلس یکی از نزدیکان عبدالباسط از مسئولین مجلس اجازه خواست تا او ۱۰ دقیقه ای را به تلاوت بپردازد. عبدالباسط آیاتی از سوره احزاب را تلاوت کرد و این تلاوت عبدالباسط ۱۵ ساعت ادامه پیدا کرد و بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت.

در سال ۱۹۵۱ عبدالباسط به رادیو مصر رفت. او پس از به دست آوردن شهرتی که در طول چند ماه بدست آورده بود به قاهره مهاجرت کرد. با ملحق شدن عبدالباسط به رادیو استقبال مردم در مصر برای خرید گیرنده های رادیویی زیاد شد و در اکثر خانه ها گسترش یافت.

عبدالباسط در ماه رمضان یا غیر رمضان به کشورهای خارجی برای برگزاری محافل قرآنی یا دعوت‌هایی که از او می‌شد مسافرت می‌کرد. عبدالباسط در سفر به جاکارتا در کشور اندونزی در بزرگترین مساجد آنجا به تلاوت قرآن پرداخت. در یکی از مساجد بیش از ۲۵۰ هزار نفر تا صبح در حالی که سر پا ایستاده بودند به صدای او گوش می‌دادند. از مشهورترین مساجدی که عبدالباسط در آنها به تلاوت پرداخته است، مسجدالحرام در مکه، مسجد نبوی در مدینه، مسجد الاقصی در قدس و مسجد ابراهیمی در فلسطین بوده‌اند.

عبدالباسط در اتوبیوگرافی خود می‌گوید: «من به ۱۴ ایالت از ایالات آمریکا که در آنها مراکز مسلمین وجود داشت سفر کرده‌ام که تعداد زیادی از مسلمین در این مراکز هستند. از تفضل خدا، در همه کشورها موفق بودم. در لوس آنجلس ۶ نفر پس از شنیدن تلاوت قرآن کریم اسلام آوردند؛ در اوگاندا ۹۲ نفر. در آنجا دو مجلس داشتم: در یکی ۷۲ نفر از آنها و بقیه در مجلس دوم اسلام آوردند. حتی یک خانم گوینده تلویزیون همراه من بود که در آخرین روز خواست دستم را ببوسد و من متأثر شدم ولی نپذیرفتم. عبدالباسط تقاضا کرد به حج برود. به او گاندائی‌ها گفتم اگر اجازه بدهید، بگذارید این خانم امسال به مسافرت حج برود. پس از آن، خواست که نامش را تغییر دهد، من نام "آمنه" را

برایش انتخاب کردم.» یاسر فرزند عبدالباسط نقل می‌کند: «روزهای شنبه هر هفته ساعت هشت تلاوت پدر از رادیو مصر پخش می‌شد

در این ساعت همه اعضای خانواده بر سر سفره و کنار هم نزد پدر می‌نشستیم و به تلاوت ایشان گوش فرا می‌دادیم. همگی ما به مدت نیم ساعت سراپا گوش می‌شدیم، هیچ‌کس تکان نمی‌خورد و حتی صندلی را هم تکان نمی‌داد و مرحوم پدر در اثنای پخش تلاوت، سر خود را روی آستینش می‌گذاشت و به فکر فرو می‌رفت. ایشان در منزل با صوت تلاوت قرآن نمی‌کرد، مگر زمانی که عده‌ای از خبرنگاران یا مجریان رادیو یا عکاسان در منزل حضور می‌یافتند. اما عادت همیشگی ایشان این بود که هر روز پس از نماز صبح در اتاق خود قرآن می‌خواند. من وقتی شش ساله بودم با ایشان به مسجد امام شافعی می‌رفتم و به تلاوت‌های ایشان گوش می‌دادم. در برخی مراسم و محافل قرآنی و جشن‌ها که ایشان به تلاوت می‌پرداختند مردم حاضر از ایشان می‌خواستند تلاوتش را تکرار کند. من دوست داشتم که در برنامه‌های تلاوت ایشان همراه پدر باشم، عبدالباسط همواره مرا به تلاوت قرآن تشویق می‌کرد

به یاد دارم هر وقت در اتاق، قرآن می‌خواندم و عبدالباسط در اتاق دیگری بود و از حضور ایشان بی‌خبر بودم، او صبر می‌کرد تا من به آخر آیه برسم آنگاه وارد اتاق می‌شد. اگر در اثنای تلاوت وارد می‌شد من تلاوت را قطع می‌کردم و او برای اینکه من کارم را کامل تمام کنم پس از تمام کردن آیه

به نزد می‌آمد، و این خاطره زیبایی برای من است.» آنچه که از ایشان برای مسلمانان باقی مانده است گنجینه بیش از نیم قرن قرائت ایشان است که در نوارها ضبط شده است و در دنیای اسلام استفاده می‌شود.

زمانی که اسرائیل هنوز فلسطین را اشغال نکرده بود وی به دعوت مسلمانان آن دیار به فلسطین مسافرت کرد و در محل مسجدالاقصی سوره اسراء را تلاوت نمود. وقتی فلسطین اشغال شد، عبدالباسط دائماً از این موضوع اظهار ناراحتی می‌کرد و نسبت به آنچه که وی «ظلم رفته بر فلسطین» می‌نامید ابراز انزجار می‌نمود و آرزو داشت که بار دیگر بتواند به مسجدالاقصی برود و خاطرات گذشته را تجدید کند و اگر هم خود نتوانست، فرزنداناش پا به فلسطین گذاشته و در مسجدالاقصی به تلاوت قرآن پردازند.



عبدالباسط به بیماری مرض قند مبتلا  
شده بود

### **بیماری و وفات عبدالباسط**

مرض قند در عبدالباسط شدت گرفت، اما او با تناول غذاها و نوشیدنی های مختلف با این بیماری به مبارزه می پرداخت، ولی با اضافه شدن التهاب کبدی، دیگر توان مقاومت در برابر این دو مرض را نداشت، عبدالباسط را به بیمارستان دکتر بدران در جیزه بردند، اما اطباء به او توصیه کردند که برای معالجه به لندن برود، او به آنجا رفت اما پس از اقامت یک هفته ای

در آنجا از پسرش ابن طارق که همراه او بود خواست که او را به مصر برگرداند و گویی که احساس کرده بود که روزگار عمر سپری شده است و وقت لقاء خداوند نزدیک شده و براستی زندگی جز ساعتی نیست که به زودی می گذرد، روز وفات او به مثابه صاعقه ای بود که بر قلوب میلیونها مسلمان در هر مکانی از دنیا وارد آمد، هزاران نفر از دوستان صدای او، و شخصیت او با تمام اختلاف زبان و ... جنازه او را تشییع کردند، در این تشییع همه سفراء کشورهای جهان به نیابت مردمشان حضور داشتند، و چون عبدالباسط سبب پیوند و علاقه در بین بسیاری از مردم در کشورهای مختلف بود روز ۳۰ فوریه در هر سال روز تکریم از این قاری بزرگ اعلام شد تا مسلمین به روز ۳۰/۱۱/۱۹۸۸ در یاد داشته باشند؛ روزی که او از میان ما رفت و از زندگی این دنیا به زندگی جاودانی پیوست

## شحات انور

استاد «شحات محمد انور» قاری مسجد الرفاهی مصر در روز یکم ژوئیه سال 1950 میلادی در روستای «کفرالوزیر» که مرکزی دور افتاده در استان قهلیه مصر است در خانواده‌ای کم جمعیت متولد شد. بیش از سه ماه از ولادت او نگذشته بود که پدرش را از دست داد و کودک خردسال نتوانست لذت پدر داشتن را بچشد و بدین ترتیب او در حالی که طفل

خردسال و یتیمی بود با امواج زندگی و گردش روزگار با همه شیرینی‌ها و تلخی‌هایش مواجه شد.

شحات محمد انور به همراه مادر خود برای اقامت در منزل پدر بزرگ مادریش رهسپار شد تا با دایی‌های خود زندگی کند چرا که دایی او وی را همچون پسر خود دوست می‌داشت و بهترین امانت‌دار او بود و او را به یادگیری و حفظ قرآن تشویق کرد.

وی به واسطه دایی‌اش از محضر استاد «حلمی محمد مصطفی» در حفظ قرآن کریم مستفیض شد و در سن هشت سالگی حافظ کل قرآن شد و وقتی به سن 10 سالگی رسید دایی‌اش او را به یکی از روستاهای مجاور (کفرالمقام) برد تا تجوید قرآن را به دست مرحوم استاد «سید احمد فرارحی» فرا گیرد چرا که استعدادی که او را شایسته می‌ساخت تا یکی از مشهورترین قاریان مصر بلکه همه جهان باشد را در خود داشت.

استاد «شحات محمد انور»

استاد «شحات محمد انور» قاری مسجد الرفاهی مصر در روز یکم ژوئیه سال 1950 میلادی در روستای «کفرالوزیر» که مرکزی دور افتاده در استان قهلیه مصر است در خانواده‌ای کم جمعیت متولد شد

استاد شحات محمد انور درباره خاطرات ایام کودکی خود این‌گونه سخن می‌گوید: «در آن دوره من با حفظ کردن قرآن کریم سعادت و صف ناشدنی یافتم، مخصوصاً پس از اتمام حفظ قرآن و در اثناء یادگیری تجوید آن، به خاطر این که صدای زیبائی داشتم و اداءِ لحن من شبیه اداء قاریان بزرگ بود بر هم

دوره‌ای‌هایم پیشی گرفته و در میان آنان به استاد کوچک شناخته شدم و این موضوع آن‌ها را خشنود می‌کرد، هم کلاسی‌هایم در مکتب به دنبال فرصت بودند که استاد مشغول کاری شود تا از من بخواهند که با تجوید، آیات قرآن را برایشان بخوانم و چنان مرا تشویق می‌کردند که گویی من قاری بزرگی هستم». استاد شحات می‌افزاید: «به یاد می‌آورم که در ضمن یادگیری قرآن کریم برای همکلاسی‌هایم، زیاد تلاوت می‌کردم، روزی یکی از ایشان فکری کرد، او یک قوطی کبریت تهیه کرد و جعبه آن را توسط یک نخ بلند به کِشُو آن متصل کرد، من یک قسمت را در مقابل دهانم می‌گرفتم و می‌خواندم، گویی که میکرفون است و هر یک از دوستانم قسمت دیگر را به گوش می‌چسبانند تا طنین صدا را از آن بشنوند که زیبا و قوی می‌شد.

استاد **شحات محمد انور** ادامه می‌دهد: تشویق‌های اطرافیانم راه و هدفم را در حالی که طفلِ خردسالی بودم مشخص کرد و باعث شد که من هر راه و هر وسیله‌ای را که به واسطه آن از قرآن کریم متمکّن می‌شدم را جستجو کنم که از دستم نرود، به خصوص پس از آن که به دوران جوانی رسیدم و بعد از وفات دائی‌ام که سرپرستی خانواده را به عهده داشت، من باید به خود و مادر و پدر بزرگم تکیه می‌کردم، هرگاه می‌شنیدم یکی از بزرگان فوت کرده است و از یکی از مشاهیر قُرّاء برای احیاء مجلس عزا دعوت به عمل آمده من در حالی که طفل **12** الی **15** ساله‌ای بودم به مکان عزا می‌رفتم تا به قرآن گوش فرا دهم و از قاری چیزی یاد بگیرم و در فضای آن مناسبت قرار بگیرم تا این که اگر به چنین مجلسی دعوت شدم مثل همین مشاهیر باشم».

استاد «شحات محمد انور» در دوران جوانی

اساتیدی مانند «جوده ابوالسعود»، «سعید عبدالصمد الزناتی» و «حمدی زامل» از جمله قاریانی بودند با حضورشان در محافل قرآنی منطقه‌ای که استاد شحات محمد انور نیز در آنجا حضور داشت گرمی خاصی را به این محافل بخشیدند، ولی حقیقت امر این بود که استعداد این جوان مستعد ناگهان درخشید و در آن میان او را منحصر به فرد کرد و به مقامی انکار ناشدنی رسید و با وجود این که از سن کمی نیز برخوردار بود مانند یک قاری بزرگ که تمامی سر انگشتان به سوی او نشانه رفته است، درخشید و این‌ها همه قبل از 20 سالگی استاد شحات انور بود.

ابتدای کار استاد شحات با هر میزانی که بسنجیم ابتدای سختی بود، دگرگونی‌های زندگی به کودکی که هنوز نیاز داشت تا کسی دستش را بگیرد و سفره مهربانی برایش بگسترد و حصار عطوفت اطرافش بکشد، به او رحم نکرد. استاد شحات توانست در زمان بسیار اندکی از خود یک شخصیت قوی بسازد و در این امر آنچه خداوند در او از بلندنظری و عزت نفس و روشن‌بینی و هوش قوی به ودیعت گذاشته بود او را کمک می‌کرد.

ورود به رادیو

چنین جوانی که به طور مرتب می‌درخشید و قرآن کریم از حنجره او مانند آب جاری در آب‌راه جریان داشت و شهرت او بر سن او بسیار سبقت گرفته بود آن

قدر شایسته بود که رییس مرکز شهر «میت غمر» دعوت‌نامه‌ای برای او بفرستد و او را به یکی از مناسبت‌های دینی که مرحوم دکتر «کامل البوهی» اولین رییس رادیو در آن حضور داشت، فرا بخواند.

مرحوم استاد شحات انور درباره این ماجرا این‌چنین می‌گوید: «طبق تاریخی که مقرر شده بود به رادیو رفتم، ولی هیأت داوران با وجود اعجاب شدیدشان نسبت به خواندن من گفتند باید مدتی برای فراگیری نغمه‌ها و دستگاه‌ها کلاس ببینی، من از استاد «محمود کامل» و استاد «احمد صدقی» از چگونگی کار سؤال کردم و آن‌ها من را به آموزشگاه موسیقی راهنمایی کردند، دو سال به آموزشگاه رفتم و همه مقامات و الحان قرآنی را با کیفیت عالی فرا گرفتم تا سال 1979 میلادی که دوباره تقاضانامه‌ام برای ورود به رادیو را نوشتم که سرانجام موفق شدم و آن‌ها برنامه‌ای برای تلاوت‌هایم به من دادند و از آن پس بود که به رادیو راه یافتم.»

#### سفرهای استاد

صوت زیبای مرحوم شحات انور باعث شد تا شهرت او در سراسر جهان گسترش یابد و هیچ قاره‌ای از دنیا نبود مگر این‌که مرحوم شحات انور در ماه مبارک رمضان و در بین سال‌های 1985 تا 1996 میلادی به آن‌ها مسافرت کند.

وی بارها از طرف وزارت اوقاف مصر و بسیاری از وقت‌ها به دعوت‌های خصوصی میلیون‌ها نفر از دوست‌داران قرآن کریم در خارج از مصر در لندن، لوس آنجلس، آرژانتین، اسپانیا، فرانسه، برزیل، کشورهای حاشیه خلیج فارس،

نیجریه، زئیر، کامرون و بسیاری از دولت‌های آسیائی مخصوصاً ایران سفر کرد و به قول خودش در همه این مسافرت‌ها جُز رضای خداوند و بهروزی مسلمین نیت دیگری نداشت.

**شحات محمد انور** سه فرزند پسر و شش فرزند دختر دارد و همگی آن‌ها از جمله حافظان کل قرآن کریم به شمار می‌روند که «انور **شحات محمد انور**» و «محمود **شحات محمد انور**» بارها به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده و به تلاوت قرآن پرداخته‌اند.

فرزندان استاد شحات انور:

**شحات محمد انور** سه فرزند پسر و شش فرزند دختر دارد و همگی آن‌ها از جمله حافظان کل قرآن کریم به شمار می‌روند که «انور **شحات محمد انور**» و «محمود **شحات محمد انور**» از فرزندان استاد بارها به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده و به تلاوت قرآن پرداخته‌اند

«انور **شحات محمد انور**» از فرزندان استاد شحات نیز از قاریان جوان و نامی است که در مسابقات بین‌المللی قرآن عربستان، در سال **1380** رتبه نخست را به خود اختصاص داد، او بارها از سوی دارالقرآن نیروی مقاومت بسیج و نیروی انتظامی، سازمان اوقاف و امور خیریه و شبکه قرآن سیما، برای تلاوت در ماه رمضان به ایران دعوت شده و در اکثر استان‌های کشور به اجرای برنامه پرداخته است.

انور شحات همچنین در اردیبهشت‌ماه **1387** در سی‌امین دوره مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه که در سنجندج برگزار شد

حضور یافت و در مراسم بزرگداشت پدرش شرکت کرد، وی پدر را بهترین اسوه و الگوی خود می‌داند و معتقد است که هیچ‌گاه نمی‌تواند جای پدرش را در محافل قرآنی پر کند.

استاد شحات محمدانور چهار سال به دلیل نوعی بیماری کبدی در محافل قرآنی تلاوت نمی‌کرد و مدتی در بیمارستان خاتم‌الانبیا(ص) تهران برای مداوا تحت نظر بود و سرانجام جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. ویژه‌برنامه رادیویی «یاد استاد» به مناسبت سومین روز درگذشت استاد شحات انور

هم‌زمان با سومین روز درگذشت استاد **شحات محمد انور** و موج حزن و اندوهی که جامعه قرآنی کشورمان را به مناسبت درگذشت این قاری برجسته جهان اسلام در برگرفته بود رادیو قرآن جمهوری اسلامی ایران در یک ویژه‌برنامه‌ای رادیویی با عنوان «یاد استاد» با دعوت از کارشناسان به بررسی ابعاد مختلف این رویداد پرداخت.

در این برنامه رادیویی که در **26** دی‌ماه سال **1386** و از ساعت **18/30** الی **20** شب پخش شد، «سیدمحسن موسوی‌بلده» استاد و پیشکسوت قرآنی با اعلام تأثر خود از فقدان این قاری بزرگ گفت: با بررسی تاریخ قرائت قرآن ایران می‌توان استاد «محمدتقی مروت» را پایه‌گذار نهضت قرآنی جدید در ایران معرفی کرد و در این زمان که قاریان ایرانی تأثیرات بسیاری را از قراء بزرگ مصری گرفتند، چند تن از این قاریان بیشترین نقش را در شکل‌گیری سبک قرائت ایران داشتند.

استاد «شحات محمد انور»

وی افزود: اولین قاری بزرگ مصری در این زمینه استاد «عبدالباسط» است و بعد از وی استاد «منشاوی» تأثیر فوق‌العاده‌ای روی قاریان ایرانی داشتند که در ادامه استاد «مصطفی اسماعیل» با سبک خود بسیاری از قاریان ایرانی را مجذوب خود کرد و این روند تا 10 الی 15 سال ادامه داشت که با ظهور استاد «شحات محمد انور» به طور تقریبی تمام قراء ایرانی از وی تأثیر پذیرفته‌اند.

موسوی‌بلده اظهار کرد: می‌توان گفت حتی چند استاد بزرگ مصری هم به اندازه مرحوم شحات انور در ایران تأثیر شگرفی برجا نگذاشته‌اند و این تأثیر فوق‌العاده طوری است که همه قاریان ایرانی را تحت پوشش قرار می‌دهد، ضمن این‌که نوع کلام استاد شحات با موسیقی ایرانی نیز هم‌خوانی دارد که در فراگیری آن بی‌تأثیر نبوده است.

استاد «محمد بسیونی» از قاریان مشهور مصری نیز در ادامه این برنامه رادیویی، گفت: مرحوم استاد شحات از صالحان و قاریان بسیار خوب مصری بود که برای رضای خدا تلاوت می‌کرد و خود صاحب مکتبی در قرائت قرآن بود، ضمن این‌که دارای اخلاق نیکویی بود و همه قاریان مصر وی را دوست داشتند و احترام خاصی برای این استاد قائل بودند.

وی با اشاره به صبر طولانی استاد شحات در دوران بیماری، تصریح کرد: یک بار در سال 1991 به همراه وی به کشور ایران سفر کردم و به اکثر شهرهای ایران مسافرت کردیم که استاد شحات در آن سفرها می‌گفت: «مردم ایران علاقه

شدیدی به قاریان مصری دارند» و عجیب نیست که رهبر معظم ایران نیز عنایت ویژه‌ای به مرحوم استاد داشتند.

«بهروز یاری گل» از استادان برجسته قرآنی کشورمان نیز در ادامه این برنامه با ابراز تأسف از وفات استاد شحات انور، یادآور شد: قبل از آمدن استاد شحات به ایران با صدای وی از طریق نوارهایی که در مصر و کشورهای حاشیه خلیج فارس ضبط شده بود آشنا شدم و اولین آیات را در سال 1361 از استاد شنیدم که برایم بسیار بدیع و شگفت‌آور بود.

وی ادامه داد: در ابتدا استاد را نمی‌شناختم و با توجه به نزدیکی سبک وی با موسیقی ایرانی تصور می‌کردم قاری، ایرانی است و بعدها متوجه شدم که ایشان استاد شحات انور هستند و یکی از آرزوهای من در آن دوران این بود که صدای استاد را در یک نوار با کیفیت مطلوب گوش کنم و چهره وی را از نزدیک ببینم. این استاد قرآنی تصریح کرد: در سال 1382 برای اولین بار استاد را از نزدیک دیدم و نزد وی به تلاوت قرآن کریم پرداختم که بسیار مرا تشویق کرد و البته استاد در آن زمان حال مساعدی نداشت و بسیار لاغر و ضعیف شده بود که با اصرار برخی دوستان چند آیه کوتاه از قرآن را تلاوت کرد.

در ادامه «عبدالفتاح طروتی» یکی از قاریان جوان کشور مصر و از دوستان و شاگردان مرحوم استاد شحات انور نیز با اشاره به خصوصیات اخلاقی مرحوم شحات، اظهار کرد: استاد شحات یکی از بندگان وارسته‌ای بود که تأثیر زیادی را بر مردم مصر و کل جهان اسلام گذاشت و موج تأثیر وی در میان عامه مردم به این دلیل بوده است که آیات را متناسب با معنا تلاوت می‌کرد.

«احمد ابوالقاسمی» قاری بین‌المللی قرآن کریم نیز در این برنامه رادیویی درباره استاد شحات گفت: طی اولین جلسه مجمع قاریان ایران در سال 1361 صدای استاد شحات در سالن پخش شد که همه را منقلب کرده بود و به شدت مورد استقبال حاضران واقع شد و همگی پیگیری می‌کردند که نام این استاد قرائت قرآن را بفهمند و یا نوار صدای وی را به دست آورند.

وی تصریح کرد: در سال 1375 به همراه استاد شحات سفری به کشور لبنان داشتیم که قرار شد در یک روستای بزرگ با جمعیت زیاد محفل قرآنی تشکیل شود و استاد شحات و من در آن جلسه قرائت قرآن داشته باشیم، استاد در آن جلسه به علت کسالت، اجرای مناسبی نداشت و از این موضوع بسیار ناراحت بود که من به وی گفتم: «همین که شما در جایگاه قرار گیرید و اصلاً تلاوت هم نداشته باشید برای این مردم کافی است».

ابوالقاسمی افزود: بعد از آن در یک جلسه که در خانه شهیدی از شهدای حزب‌الله برگزار شد استاد شحات انور تلاوت به یاد ماندنی انجام داد که مشابه آن را بسیار کم دیده‌ام و احساس لذتی که در آن‌جا داشتم در کمتر جایی برایم رخ داده است و حتی بعد از جلسه هم هیچ فردی دوست نداشت سکوت جلسه را به هم بریزد.

«محمد هادی صلح‌جو» از قاریان ممتاز کشورمان نیز در این برنامه رادیویی با اشاره به برخورد بسیار صمیمی استاد شحات انور، اظهار کرد: در افتتاحیه مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ایران در سال 1382 که استاد به ایران آمده بود، خدمتشان رفتم و از دور سلام گفتم و استاد به قدری با روی باز با من

برخورد کرد که من بسیار خوشحال شدم.

وی افزود: استاد شحات در حد اعلی تلاوت قرآن کریم بسیار متواضع و فروتن بود و به لقب «ملک النغم» به معنای پادشاه نغمات معروف است که این می تواند درسی برای همه باشد و دو فرزند استاد که هم اکنون از قاریان مطرح کشور مصر و جهان هستند نیز به خوبی رویه پدر را ادامه می دهند.

همچنین «احمد فراهانی» کارشناس قرآن رادیو قرآن با اشاره به آرشیو صدای استاد شحات انور در این سازمان، یادآور شد: 19 قطعه از تلاوت های تا 15 دقیقه، 15 قطعه تلاوت تا 30 دقیقه و 80 تلاوت از 30 دقیقه به بالا از استاد شحات انور در آرشیو رادیو قرآن نگهداری می شود که تلاوت آیات سوره های «قمر و واقعه» با حدود 60 دقیقه از طولانی ترین قرائت های استاد شحات انور به شمار می رود.

«شحات محمد انور» از دیدگاه کارشناسان و قاریان ایران

«مهدی دغاغله» کارشناس و پیشکسوت قرآنی و سرپرست گروه تواشیح ثقلین اهواز در گفت و گو با ایکننا درباره شخصیت و ویژگی های استاد شحات انور این چنین می گوید: اکثر کسانی که زندگی شحات انور را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهند معتقدند که وفات پدر شحات انور باعث پیشرفت استاد شده است زیرا باعث شده است که بر خود و استعدادهایش بیش از پیش تکیه کند و آنها را شکوفا سازد.

استاد «شحات محمد انور» در اواخر عمر

دغاغله می‌افزاید: استاد شحات انور با هدایت و راهنمایی‌های دائی‌ها و مادر خود پرورش یافت و در سن 20 سالگی به عنوان یکی از قاریان ممتاز شناخته شد. این داور بین‌المللی ادامه می‌دهد: در صحبت‌هایی که با مرحوم شحات انور داشته‌ام وی به انتشار نوارهای قرائتش در سال 1970 اشاره می‌کند و می‌گوید در سال 1976 به مجلس مهمی برای تلاوت قرآن دعوت شدم که در آن مجلس رئیس رادیو قرآن مصر و هیئت بلندپایه‌ای از مسئولان در آن حضور داشتند، بعد از اتمام تلاوت رئیس رادیو قرآن به من پیشنهاد داد تا برای ورود به رادیو تست بدهم و من نیز قبول کردم.

دغاغله داستان ورود شحات انور به رادیو را از زبان خود استاد این‌گونه بیان می‌کند: بعد از انجام تست ورود به رادیو در بار اول پذیرفته نشدم و علت آن نیز از سوی هیئتی که بنده در حضور آن‌ها تلاوت کردم ضعف در ترکیب نغمات عنوان شد، به این منظور مدت دو سال در آموزشگاه موسیقی دینی مصر به تحصیل مشغول شدم و برای بار دوم که تست دادم بحمدالله برای ورود به رادیو پذیرفته شدم.

دغاغله با اشاره به اهمیت مقام قاری رادیو و تلویزیون در مصر می‌گوید: اطلاق قاری رادیو و تلویزیون به یک قاری در مصر خیلی حائز اهمیت است و در واقع این بالاترین مقامی است که یک قاری قرآن در مصر می‌تواند کسب کند.

«محمد بسیونی»:

مرحوم **استاد شحات** از صالحان و قاریان بسیار خوب مصری بود که برای رضای خدا تلاوت می‌کرد و خود صاحب مکتبی در قرائت قرآن بود، ضمن این‌که دارای

اخلاق نیکویی بود و همه قاریان مصر وی را دوست داشتند و احترام خاصی برای این استاد قائل بودند

این کارشناس تلاوت قرآن کریم می‌افزاید: به نظر بنده آن چیزی که باعث محبوبیت و اقبال به تلاوت‌های **شحات محمد انور** شد بحث تجددگرایی در اسلوب و سیستم تلاوت بود، زیرا نغمات اجرا شده در تلاوت‌های شحات انور همان نغمات و آهنگ‌هایی است که توسط دیگر قراء اجرا می‌شود، ولی سبک و سیاق متفاوت اجرای این مقامات و به اصطلاح به روز بودن تلاوت‌های استاد شحات باعث گرایش قاریان جوان به سمت تلاوت‌های این استاد شده است. دغاغله در جواب این سؤال که نظر شما درباره این که گفته می‌شود تلاوت‌های شحات انور در ایران از لحاظ فنی با تلاوت‌های اجرا شده توسط این استاد در مصر تفاوت دارد نیز می‌گوید: من مخالف این نظر هستم و معتقدم که تلاوت‌های این استاد از لحاظ فنی در ایران اگر از تلاوت‌های اجرا شده توسط وی در مصر بالاتر نباشد پایین‌تر نیز نیست.

«غلام رضا شاه‌میوه‌اصفهانی» کارشناس و داور بین‌المللی قرآن کریم نیز در گفت‌وگو با ایکنا درباره شحات انور می‌گوید: بنا بر گفته «احمد همام» نویسنده کتاب «سفرء القرآن»، بیش از 60 درصد قاریان جوان مصری در حال حاضر از مرحوم شحات انور تقلید می‌کنند و خود من در سفری که چند ماه پیش به مصر داشتم هر جا درباره استاد شحات صحبت می‌شد از او به عنوان یک ستاره در عالم قرائت یاد می‌کردند.

وی می‌افزاید: حتی در کتب و جراید نیز به جای استفاده از کلماتی چون؛ القاری،

الشیخ و غیره از استاد شحات به «نجم من نجوم التلاوة» یاد می‌شود که این نشان‌دهنده ارزش چنین قاری بزرگی است.

این استاد برجسته قرآنی ادامه می‌دهد: طی دو دهه گذشته بسیاری از قاریان و استادان بزرگ مصری به ایران دعوت شدند کسانی چون؛ «راغب غلوش، شعبان صیاد، احمد شیب، محمود صدیق منشاوی، احمد عامر و حسین منصور» اما این افراد در برهه‌ای به ایران دعوت شدند که سال‌ها از دوران اوج خود فاصله گرفته بودند و در سنین 60 به بالا بودند.

وی می‌افزاید: اما خوشبختانه در مورد استاد «شحات محمد انور» موضوع به طور کامل متفاوت بود و شاید به جرأت بتوان گفت تنها استاد بزرگ مصری که در بهترین شرایط فنی و در اوج آمادگی و پختگی و در یک کلام در دوره بلوغ لحنی و صوتی خود به ایران دعوت شد استاد شحات انور بود و باید از درایت مسئولان وقت که چنین فرصت‌های تاریخی را از دست ندادند تشکر کرد.

شاه‌میوه تصریح کرد: بسیاری بر این باورند که پس از دوران طلایی قرائت در مصر یعنی عهد استادانی چون؛ «مصطفی اسماعیل، کامل یوسف بهتیمی، محمود علی‌البنّا، عبدالباسط، محمد صدیق منشاوی و ابوالعینین شعیش» دیگر ما شاهد چهره‌های شاخصی در جهان قرائت نخواهیم بود و ظرفیت‌های فنی و هنری موجود در قرائت به طور کامل اشباع شده است.

این استاد برجسته قرآنی اظهار کرد: اما مرحوم شحات انور با نبوغ ذاتی خود و با الهام از سبک‌های پیشین به‌ویژه سبک تلاوت مرحوم «عبدالصمد الزناتی» دست به ابداع و خلق شیوه‌ای نو و به تعبیر عربی آن مدرسه جدیدی در تلاوت

زد.

### استاد «شحات محمد انور»

وی در ادامه تاکید کرد: البته توجه داشته باشید که استاد شحات انور در چه شرایطی چنین کاری کرد، دورانی که ظهور ستاره‌ای چون مرحوم مصطفی اسماعیل جای حرف و ادعا برای کسی باقی نگذاشته بود و بسیاری او را خداوندگار لحن می‌دانند که همه چیز را به کمال رسانده است، لذا ابداع شیوه‌ای جدید در چنین دورانی کار بسیار خارق‌العاده و مهم تلقی می‌شود. این داور بین‌المللی قرآن کریم شحات انور را از میان قاریان مصری که به ایران آمدند، مؤثرترین قاری بر جریان تلاوت در ایران و بر قاریان ایرانی معرفی کرد و افزود: البته نظری بر قاریان امروز مصر نیز ما را متوجه این موضوع می‌کند که این استاد بزرگ حتی بر جریان قرائت در مصر نیز در دهه اخیر تأثیر بسزایی داشته است.

وی یادآوری کرد: بنده در جایی گفته بودم اگر در 100 صد سال اخیر به طور میانگین هر 15، 20 سال شاهد یک مکتب جدید در قرائت قرآن در مصر بوده‌ایم به طور مثال زمانی که شیخ رفعت، پس از او شعیشع و به دنبال آنان مرحوم مصطفی اسماعیل و غیره بودند، به جرأت می‌توان گفت مرحوم شحات انور هم یکی از مجددین بزرگ در عالم قرائت بوده است.

«محمد حسن موحدی»، قاری جوان و نفر نخست رشته قرائت دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن دانشجویان مسلمان نیز در گفت‌وگو با ایکنا گفت: استاد شحات انور از قاریان صاحب سبک و مکتب در قرائت است و یکی از

علت‌های اقبال بسیار زیاد به تلاوت‌های این استاد، صدای بسیار زیبای وی در دوران جوانی و استفاده از ترکیب‌های لحنی نو و بدیع بود.

«مهدی دغاغله»:

اکثر کسانی که زندگی شحات انور را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند معتقدند که وفات پدر شحات انور باعث پیشرفت استاد شده است زیرا باعث شده است که بر خود و استعدادهایش بیش از پیش تکیه کند و آن‌ها را شکوفا سازد

وی افزود: اگر قراء کشور مصر را به دو نسل قدیم و جدید تقسیم کنیم، در این تقسیم‌بندی مرحوم **شحات محمد انور** جزء نفرات اول نسل جدید قاریان مصر هست که با صدای زیبای خود تحولی بارز در سبک و شیوه قرائت قاریان مصری حال حاضر به وجود آورده است.

موحدی تصریح کرد: شاید بعضی از الحانی را که مرحوم شحات انور در تلاوت خود استفاده می‌کند مثلاً در تلاوت استاد «الزناتی» نیز دیده شود، ولی حلاوت و زیبایی الحان شحات انور بیشتر به مذاق مخاطب خوش می‌آید.

وی ادامه داد: از ویژگی‌های منحصر به فرد تلاوت‌های مرحوم **شحات محمد انور** ابداع و ترکیبات لحنی بسیار زیبایی است که فقط در تلاوت این استاد دیده می‌شود و ما این موارد را در تلاوت دیگر قراء نمی‌بینیم.

تحلیلی کوتاه درباره تلاوت‌های استاد «**شحات محمد انور**»

تلاوت‌های شحات انور را می‌توان به نوعی ادامه و تکمله‌ای بر شیوه‌ای از قرائت قرآن کریم که «محمود علی البناء» در پیش گرفته بود دانست، همچنین رنگ و

بوی خاصی از تلاوت‌های استاد «عبدالصمد الزناتی» نیز در تلاوت‌های این استاد مشهود است چنان‌که کارشناسان قرآنی کشورمان نیز در گفت‌وگو با ایکنا به این موضوع اشاره کردند.

البته باید گفت که شحات انور در تلاوت‌های خود از ویژگی‌ها و ضابطه‌هایی سود می‌برد که به طور معمول در تلاوت‌های دیگر قاریان صاحب سبک شاهد این ویژگی‌ها نیستیم و این امر باعث شده تا وی به عنوان یک قاری صاحب مکتب در تلاوت قرآن مطرح شود.

**شحات محمد انور** بر خلاف خیلی از قراء متقدم مانند «مصطفی اسماعیل» هیچ‌گونه اصراری بر پرداختن مفصل به مقام بیات در ابتدای تلاوت نداشت بلکه در ابتدا چند فراز از شروع تلاوت خود را با بیات آغاز می‌کرد، آن‌گاه به طور معمول به مقام رست وارد می‌شد و پس از منظم کردن پرده‌های صوتی خود در مقام رست، به مقام‌های دیگر وارد می‌شد و آن‌گاه به طور مفصل به تلاوت گوشه‌های مختلف مقام‌های قرآنی می‌پرداخت.

استاد «شحات محمد انور» در کنار دوست‌دارانش – عکس متعلق به

سال 1998 در لبنان

تلاوت سوره‌های «تحریم و زلزال» استاد شحات که در دوران جوانی و در مصر اجرا شده را می‌توان به عنوان معرف و شاکیه تلاوت‌های این استاد برشمرد، استاد شحات انور همچنین تبحر خاصی در پرداختن به مقام «سگاه» دارد که به جرئت می‌توان گفت وی تنها قاری است که به صورت تخصصی به اجرای این مقام در تلاوت‌های خود پرداخته و تمام گوشه‌ها و زوایای آن را اجرا کرده است.

به هر روی نقش تلاوت‌های استاد شحات انور را در شکل‌گیری سبک جدیدی از تلاوت‌های قاریان برتر جمهوری اسلامی ایران نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که بعد از مصطفی اسماعیل، تلاوت‌های استاد شحات انور از تأثیرگذارترین تلاوت‌ها بر قرائت‌های قاریان جوان ایرانی است و این امری کاملاً مشهود است.

### منابع:

- 1) مصاحبه‌های خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با کارشناسان و استادان قرآنی ایران درباره «شحات محمد انور» از تاریخ 24 دی‌ماه 86 لغایت 11 تیرماه 87
- 2) ویژه برنامه رادیویی «یاد استاد» به مناسبت سومین روز درگذشت استاد «شحات محمد انور»
- 3) وب سایت قاریان قرآن کریم
- 4) وب سایت صدای قرآن
- 5) روزنامه «الوطن الاسلامی» چاپ قاهره، ژانویه 1998 میلادی

### استاد شحات محمد انور

استاد شحات محمد انور قاری مسجد امام رفاهی در روز 1 ژوئیه 1950 میلادی در روستای کفرالوزیر که مرکزی دور افتاده در استان قهلیه است در یک خانواده کم جمعیت متولد شد بیش از 3 ماه از ولادت او نگذشته بود که پدرش وفات یافت و کودک خردسال نتوانست خوبی‌های پدر داشتن را بچشد، پدری که او را در سن کودکی ترک کرده و در حالی که طفل خردسال و یتیمی بود با امواج زندگی و گردش روزگار با همه شیرینی‌ها و تلخی هایش مواجه ساخت. و چون

هیچ مهر و عطوفتی مانند مهرمادری نیست، مادرش فرزند کوچک را به دامن گرفته و برای اقامت در منزل پدرش رهسپار شد تا با دائی های او زندگی کند چرا که دائی او وی را همچون پسر خود در برمی گرفت و بهترین امانت دار او بود، او به یادگیری و حفظ قرآن اقدام کرد و اینکه در خانه قرآن نشأت گرفت و رشد و نمو نمود تأثیر زیادی در تمام کردن حفظ قرآن کریم (در حالی که 8 ساله بود) داشت و بواسطه دائی اش استاد حلمی محمد مصطفی بارها به قرآن رجوع می کرد ، وقتی به سن 10 سالگی رسید دائی اش او را به یکی از روستاهای مجاور (کفر المقام ) برد تا تجوید قرآن را به دست مرحوم استاد سید احمد فرارحی که سرپرستی او را می کرد و رعایت واهتمام خاصی به او داشت فراگیرد چراکه استعدادی که او را شایسته می ساخت تا یکی از مشهورترین قاریان مصر بلکه همه جهان باشد را در خود داشت.

استاد شحات خاطرات ایام کودکی را به یاد می آورد : ((در آن دوره من با حفظ کردن قرآن کریم سعادت و وصف ناشدنی یافتم مخصوصاً پس از اتمام حفظ قرآن و در اثناء یادگیری تجوید آن، و بخاطر اینکه صدای زیبائی داشتم واداءِ لحن من شبیه اداء قاریان بزرگ بود بر هم دوره ای هایم پیشی گرفته و در میان آنان به استاد کوچک شناخته می شدم واین موضوع ایشان را خوشنود می ساخت، هم کلاسی هایم د ر مکتب به دنبال فرصت بودند که استاد مشغول کاری شود تا از من بخواهند که با تجوید، آیات قرآن را برایشان بخوانم و چنان مرا تشوق می کردند که گوئی من قاری بزرگی هستم ، و یکبار استاد از دور صدای مرا شنید و ایستاد و به من گوش می داد تا اینکه از تلاوت فارغ شدم و از آن پس

اهتمام بیشتری به من می کرد و تمرکز بیشتری به من داشت چرا که آینده خوب و روشنی را از من متوقع بود به یاد می آورم که در ضمن یادگیری قرآن کریم برای همکلاسی هایم زیاد تلاوت می کردم روزی یکی از ایشان فکری کرد، او یک قوطی کبریت تهیه کرد و جعبه آن را توسط یک نخ بلند به کِشُو آن متصل کرد، من یک قسمت را در مقابل دهانم می گرفتم و می خواندم گوئی که میکرفون است و هر یک از دوستانم قسمت دیگر را به گوش می چسبانند تا طنین صدا را از آن بشنوند که زیبا و قوی می شد... همه اینها راه و هدفم را در حالی که طفلِ خردسالی بودم مشخص کرد و باعث شد که من هر راه و هر وسیله ای را که بواسطه آن از قرآن کریم متمکّن می گردیدم را جستجو کنم که از دستم نرود، بالاخص پس از آنکه جوانی شدم و بعد از وفات دائی ام که سرپرستی خانواده را به عهده داشت من باید به خود و مادر و پدر بزرگم تکیه می کردم، هر گاه می شنیدم یکی از بزرگان فوت کرده است و از یکی از مشاهیر قُرّاء برای احیاء مجلس عزاء دعوت به عمل آمده من در حالیکه طفل 12 الی 15 ساله ای بودم به مکان عزاء می رفتم تا به قرآن گوش فرا دهم و از قاری چیزی یاد بگیرم و در فضای آن مناسبت قرار بگیرم تا اینکه اگر به چنین مجلسی دعوت شدم مثل همین مشاهیر باشم

استاد جوده ابو السعود و السعيد عبدالصمد الزناتی و الشيخ جمدي الزامل کسانی بودند که با حضورشان آتش رقابت را در منطقه شعله ور کردند، ولی حقیقت این است که استعداد این جوان مستعدّ ناگهان درخشید و در آن میان او را منحصر به فرد کرد و به مقامی انکار ناشدنی رسید و علی رغم سنّ کمش مانند یک قاری

بزرگ که تمامی سر انگشتان به او نشانه رفته است، درخشید و اینها همه قبل از 20 سالگی بود. ابتدای کار استاد شحات با هر میزانی که بسنجیم ابتدای سختی بود دگرگونی های زندگی به کودکی که هنوز نیاز داشت تا کسی دستش را بگیرد و سفره مهربانی برایش بگسترد و حصار عطوفت اطرافش بکشد به او رحم نکرد بلکه به جای اینها بی خوابی و شب بیداری را راه رسیدن دانست و به راستی چگونه چشمان او آرام بگیرد و بخوابد در حالیکه باید به یک خانواده کامل خرجی بدهد، بنابر این شروع به پاسخگویی دعوت هایی می کرد که از هر جا به سمت او روان شده بود این در حالی بود که پسری 15 ساله بود قرآن کریم را در همه روستاهای شمال مصر با دستمزد کمی در آن موقع می خواند دستمزدی که از سه چهارم یک جُنیهِ \*\*\*\* نمی کرد، چرا که مَحفل در مرکز (میت غمر) بود که به ماشین نیاز داشت و گاهی (اگر لازم می شد که ماشینی از هر نوع که می خواهد باشد اجاره شود) به 7 جُنیهِ می رسید بنابراین از آنجا که باز می گشت باقیمانده دستمزدش را به جدّ و مادرش تقدیم می کرد، دعوتها پیاپی به او می رسید دعوت هایی که او را بر تحمل سختی هایی که در راه رسیدن به زندگی با شرافت و کرامتی که تاج عزّت و کرامتِ تلاوت قرآن کریم بفرق آن می درخشید شجاع و صبور می ساخت. استاد شحات توانست در زمان بسیار اندکی از خود یک شخصیت قوی بسازد و در این امر آنچه خداوند در او از بلند نظری و عزت نفس و روشن بینی و هوش قوی و محافظت بر سرو وضعش و... به ودیعت گذارده بود او را کمک می کرد.

اینچنین جوانی که مرتباً می درخشید و قرآن کریم از حنجره او مانند آب جاری

در آب راه، جریان داشت و شهرت او بر سنّ او بسیار سبقت گرفته بود شایسته بود تا رئیس مرکز شهر (میت غمر) در سبعینات دعوت نامه ای به او بفرستد که او را به یکی از مناسبت‌های دینی که مرحوم دکتر کامل البوهی اولین رئیس رادیو در آن حضور داشت فرامی‌خواند و این در سال 1975 بود استاد شحات می‌گوید: ((من دوستِ کارمندی در مجلسِ شهرِ میت غمر داشتم او به من گفت : رئیس مرکز برای مراسم افتتاحیه یک محفل دینی تو را دعوت کرده است که مسئولین بلند پایه و رئیس رادیو در آن حضور دارند و محفل در مسجد زنفلی در شهر میت غمر برگزار خواهد شد من قبول کردم و رفتم، وقتی مرحوم دکتر البوهی صدای مرا شنید گفت: شما با این استعداد چرا اقدام نمی‌کنی که در رادیو قرائت کنی ؟ و مرا تشجیع کرد... من رفتم و تقاضا نامه ای نوشتم و... نامه ای با تاریخ آزمون برایم آمد، طبق تاریخ رفتم ولی هیئت داوران علی رغم اعجاب شدیدشان نسبت به خواندن من گفتند: تو باید یک مدّت برای فراگیری نغمه ها و دستگاه ها کلاس ببینی من از استاد محمود کامل و استاد احمد صدقی از چگونگی کار سوال کردم ایشان مرا به آموزشگاه موسیقی راهنمایی کردند من 2 سال رفتم و همه مقامات موسیقی را با کیفیت عالی فرا گرفتم و در 1979 تقاضا نامه را دوباره نوشتم... سرانجام موفق شده و برنامه ای برای تلاوت هایم به من داده شد و از آن پس به رادیو راه یافتم.))

پس از آنکه پایه شهرت خود را بنا نهاد بر او تکیه زد تا آزادانه بنای خود را چیده و با رفتن و جُستنِ مجد و عظمت بیشتر در سراسر دنیا آنرا بیوشاند، هیچ

قاره ای از دنیا نبود مگر اینکه در ماه مبارک رمضان از سال 1985 تا 1996 به آنها مسافرت کرد بارها از طرف وزارت اوقاف مصر و بسیاری از اوقات به دعوت‌های خصوصیِ میلیون‌ها نفر از دوستداران قرآن کریم در خارج مصر (لندن، لوس آنجلس، آرژانتین، اسپانیا، فرانسه، برزیل، دولتهای خلیج عربی، نیجریه، زئیر، کامرون و بسیاری از دولتهای آسیائی مخصوصاً ایران) که به او وابسته شده اند، به آن کشورها سفر کرد و به قول خودش در همه این مسافرتها جُز رضای خداوند و بهروزی مسلمین با استماع آیات کتاب الله مجید را در نیت نداشته ام.

زندگینامه شیخ محمود علی البنا

### ولادت :

در روستای ( شبرا باص ) مرکز شبین الکوم استان **استاد محمود علی البنا** میلادی متولد شد، او در دامن طبیعتِ روستائی 1926/دسامبر/17 منوفیه به روز و زندگی تقلیدی و فطرتی که بر همه جریانات غالب می شود، رشد و نمو نمود ، و این طبیعت روستائی در تکوین شخصیتِ جامعه کشاورز که به دنبال زندگی شرافتمندانه و پاکی است که پایه و اساس آن را کوشش و عرق ریختن و ... تشکیل می دهد ، نقش بسیار بارزی دارد ... از سعادت های انسان روستائی آن

است که پسری داشته باشد که او را در زراعت و تجارت کمک کار و تکیه گاه باشد، اما حاج علی رحمه الله به چیزی غیر از آنچه اهل روستا داشتند فکر می کرد ، او با علم فطری خود دریافت که ساده ترین راه ها و نزدیک ترین آنها برای رسیدن به بهشت، اطاعت پروردگار است و نیز فرزند صالحی که برای والدش دعا کند ، و صلاح کامل و قرب به خداوند و پیامبرش به تنهایی نجات دهنده نیست مگر با راه یافتن به حصارِ مستحکمِ قرآن کریم؛ که نوری ساطع و زاد و توشه ای است که هرگز قطع نمی گردد ، حاج علی از اولین لحظه ای که صاحب فرزندى شبیه فرزندان بهشت گردید ، متوجه نعمت کاملی که خداوند به او داده بود شد، زیرا عزّت و وجاهت از آن فرزند کوچک که خداوند او را برای حفظ کتابش برگزیده بود آشکار بود ، پدرش نامی از نام های پیامبر (ص) را بر او نهاد یعنی (محمود) چرا که قدوم این کودک مایه سپاسگزاری و ثناء از درگاه خداوند بود پس از میلاد او برکت به خانه آمد و خیر و نیکی بر خانواده ریزش کرد با آمدن او روح نشاط و زندگی در خانواده و پدر خانواده دمیده شد، پدری که از هیچ کوشش و عاملی که فرزندش را برای حفظ قرآن کریم کمک کند دریغ نکرد ، زیرا می خواست که فرزندش پیشاپیش صفوف قاریان قرآن کریم قرار بگیرد قاریانی که در صورت عمل به قرآن کریم از خاصّان درگاه خداوند خواهند شد ، هنگامی که این طفل کوچک بزرگ شد پدرش او را به آموزشگاه (مکتب) استاد موسی رحمه الله در روستای شبرا باص برد استاد موسی بر یادگیری حفظ و تجوید شاگردانش بسیار حریص بود و بیشتر نسبت به محمود که چون ستاره ای در میان آنها می درخشید حرص داشت ، کودکی که علائم

نبوغ و نشانه های اهلّیت قرآن بالاخص مخارج الفاظ و دقت در گفتار از او پیدا بود، این در حالی است که او در سنّ 6 سالگی قرار داشت ، مضافاً به هوش زیاد و التزام و دقت و ممارست ، تعامل با کلمات قرآن کریم از چیزهائی بود که استاد موسی آن را از نشانه های نبوغ در فرزند با استعدادش می دانست

استاد محمود علی البناء درباره خاطرات کودکی و مکتب می گوید: ((من بر آنچه که هر روز از مکتب فرا می گرفتم بسیار حریص بودم ، کل شب را بیدار می ماندم و نمی خوابیدم مگر بعد از حفظ کردن قسمتی که باید فردا در مقابل استاد بیان می کردم و بعد از حفظ آن به قسمتی که قبلاً حفظ کرده بودم مراجعه می کردم تا بتوانم هر دو را بیان کنم تا اتصال مستحکمی میان قسمتهای مختلفی که حفظ کرده بودم بر قرار شود ، ... به یاد می آورم که روزی استاد مرا فلک کرد و دائماً آن را در ذهن دارم و تا آخر عمر هم فراموشش نخواهم کرد ، این تنبیه در حالی بود که من هیچگونه تقصیری نداشتم نه در حفظ کردن و نه در اداء کردن، وقتی به خانه بازگشتم شدیداً گریه کرده و به مادرم گفتم: امروز استاد مرا تنبیه سختی کرد در حالی که من وظیفه ام را خوب انجام داده بودم ، مادرم گفت : ای محمود استاد تو را به این جهت تنبیه کرد که من به او گفتم تو به مزرعه رفتی تا چیدن پنبه ها را تماشا کنی و در کنار آن به بازی پردازی ... و من می ترسم که اگر از قرآن دور شوی قرآن هم از تو دور گردد، من نسبت به تو و آینده ات بسیار نگرانم تو شبیه اهل قرآن هستی و فقط برای قرآن صلاحیت داری، استاد می گوید : (( ... پدرم به شهر شبین الکوم رفت تا برای ملحق شدن من به مدرسه دینی آنجا (که تحت نظارت الازهر بود) اقدامات لازم

را به عمل بیاورد اما یکی از دوستانش او را به مدرسه منشاوی در طنطا راهنمایی کرد که در آنجا مستقیماً حافظان قرآن را قبول می‌کردند ، پدرم هم مرا به طنطا برد و من در حالی که بسیار کوچک بودم به مدرسه منشاوی ملحق شدم ، ولی آنچه به من شجاعت می بخشید که در طنطا بمانم اقبال مردمان بسیار زیادی بود که برای شنیدن صدایم در اطراف من جمع می‌شدند ، من از استاد محمد رفعت تقلید می کردم ، احياناً دعوت‌هایی برای قرائت به مناسبت های مختلف از طرف مسجد احمدی از من می شد ، در آن زمان به کودک خارق العاده معروف شده بودم چرا که در تقلید اساتید مدارس تلاوت بزرگ مانند استاد محمد رفعت، استاد محمد سلامه ، استاد عبدالفتاح الشعشاعی ، و استاد محمد السعودی ... و اگر از من می خواستند که از اساتید بزرگ تقلید کنم بسیار مهارت داشتم ، تردید نمی‌کردم و بسیار خرسند هم می شدم و مستمعین با جمعیت های صد نفری و بیشتر خود به من شجاعت می بخشیدند و باعث نوآوری و قوت صدای من می شدند این در 12 سالگی از عمر من بود .)) استاد البناء می گوید:

((مهمترین چیز در قاری این است که حافظ و تجوید دان خوبی باشد و با اِتقان و استحکام ، بیان کند ، واینکه صدای زیبا و ملکه تقلید داشته باشد ، چرا که [در ابتداء] باید از مشاهیر قراء تقلید نماید اما در نهایت شخصیت او به صدا و اداء منحصر به فرد او شناخته می شود به نحوی که وقتی صدای او را می شنوند می گویند: این فلانی است ، و نیز باید به مدرسه که آنر دوست دارد ، ملحق شود به اساتید آن گوش فرا دهد و همراه با آنها پیش رود و پس از مدتی وقتی صدای او شنیده می شود می گویند این فلانی است . البته من تقلید مطلق را تأیید نمی‌کنم

ولی باید در نهایت، قاری شخصیت خود را ظاهر کند . در مکتب منشاوی طنطا استاد محمود علی البناء در میان طلاب شناخته و مشهور شد همه اساتید و همچنین طلباء، دوست داشتند به صدای او گوش دهند، استاد می‌گوید : (( استاد حسین معوض رحمه الله نسبت به طلاب سختگیر بود ... روزی من در قرائت کسالت به خرج دادم و او مرا با چوبی که در دست داشت تهدید کرد ... من نشستم و در برابر جمع زیادی از طلاب حضورداشتند اما ناگهان متوجه شدم که هر یک راه خود را گرفته و می‌رود و کسی جز من باقی نماند استاد حسین گفت : نترس ادامه بده ... در پایان سال استاد حسین و استاد محرز به من گفتند: محمود تو باید به مکتب احمدی در طنطا بروی در آنجا قرائات را فرا بگیر تا نامت فراگیر شود و به رادیو راه پیدا کنی چرا که استعداد خوبی داری که کمتر کسی از آن بهره مند است ، ... من به مکتب احمدی رفته و در آنجا، به دست مرحوم استاد محمد سلام که بسیار به کسانی که به مکتب او می‌آمدند توجه می‌کرد قرائات را فرا گرفتم ، استاد محمد سلام برای کسی که قصد داشت به مکتب او بیاید امتحانی در رابطه با حفظ ، تجوید حروف ، سلامت نطق ، و آشنایی با مخارج الفاظ و دقت در اداء کلمات قرآنی و آراستگی ظاهر برگزار می‌کرد ، و اگر تمامی این شروط در او جمع می‌شد آنگاه او را قبول می‌کرد)). استاد بناء 2 سال در مکتب احمدی باقی ماند و پس از فراگرفتن علوم قرآن و قرائات 10 گانه به دست استاد محمد سلام به قاهره که شهر علم و علماء می‌باشد منتقل گردید ، چرا که الازهر شریف قبله دوستداران فراگیری دانش و معارف بیشتر است ، این بعد از آن بود که بار قرآن را به دوش می‌کشید و نسبت به تجوید و

تلاوت آن متمکن گردیده بود . استاد بناء در بعضی از مصاحبه ها گفته است :  
((من از طریق بعضی از دوستان در بعضی از مساجد شب را در قاهره شروع به  
قرائت کردم ، از آن پس مردم با من آشنا شدند و دعوت های فراوانی به  
مناسبات های دینی که تجار بزرگ قاهره برگزار می کردند و رقابت شدیدی هم  
میان آنان از حیث انتخاب قاریان مشهور و معروف بود به سوی من متوجه شد)).  
در سال 1946 میلادی استاد بناء یکی از بزرگان موسیقی و نواغِ تدریس  
مقامات آنرا ملاقات کرد ، آن فرد استاد درویش حریری بود که استاد بناء را در  
اتقان مقامات موسیقی و به کارگیری آنها در تلاوت کمک نمود . اولین قرائت در  
سالگی بود 22 م در سن 1948 رادیو: اولین قرائت استاد در رادیو در سال  
قرائت او به صورت زنده پخش می شد ، این تلاوت از سوره هود از آنجا که {و  
الی هود أأهّم صالحاً} تا {وما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه أنیب} ادامه  
یافت. سفر به کشورها: سفر استاد با قرآن یک سفر جهانی بود که در زمان و  
مکان خاصی در نمی آید ، سایه ای بود که بر سر مسلمانان در همه جای نقاط  
دینا در مدّتی نزدیک به 40 سال در تردّد بود ، او به همه قاره ها در طول سالها  
مخصوصاً در ماه مبارک رمضان سفر کرده بود و با قرائت زیبایش دلہائی که  
(کالحجاره او اشدّ قسوه) را نرم می نمود ، دانشگاه الازهر او را برای حضور در  
بسیاری از کنفرانسها دعوت می کرد، نیز وزارت اوقاف او را به بسیاری از  
مسابقات بین المللی به عنوان داور فرستاد ، دعوتها ی بسیار زیادی از طرف  
پادشاهان و رؤساء و شیوخ عرب برای احیاء مناسباتهای مذهبی مانند ولادت  
پیامبر(ص) ، شب معراج ، و شب آغاز سال و نیز افتتاح کنفرانسهای بین

المللی که در کشورشان برگزار می شد ، به او می رسید . وفات : چند روزی قبل از وفات از پسرش احمد خواست تا قلم و کاغذی آماده کند و گفت: آنچه می گویم بنویس ، مطالبی نسبت به نحوه تشییع و ... املاء نموده و وصیتی هم نسبت به کیفیت توزیع دارائی هاش بر حسب قوانین الهی ضمیمه کرد و گفت : آیا خواسته دیگری از من دارید یا نه ؟ و همگان را در اشک و ماتم فرو برد ، از ایشان خواست تا یک قرآن با او همراه کنند تا انیس تنهائی او در قبرش باشد ... نام او را به جهت تکریم بر بعضی از خیابان های استان سوهاج گذارده اند

زندگینامه شیخ علی محمود

•

◀ صفحه اصلی

• ◀ آرشیو صوت

• ◀ قاریان

## • قاریان مصری

## • زندگینامه شیخ علی محمود

### زندگینامه شیخ علی محمود

(زمان خواندن: 4 - 7 دقیقه)

### شیخ علی محمود

پس از رحلت استاد فقید شیخ احمد نداء با وجود آن که بسیاری به منصّه ظهور نشستند اما هیچ یک را توانایی آن نبود که رسالت شیخ را در این مسیر به انجام رساند . در این زمان مردی گندمگون و کوتاه قد به نام « شیخ علی محمود » در این میدان مطرح شد . کسی که پس از شیخ احمد نداء ، تنها فردی بود که توانست رسالت و طریقه شیخ را ادامه دهد . او در یکی محله های تنگ عبّاسیه در میان خانواده ای ثروتمند پا به عرصه وجود گذاشت و حادثه ای خانواده را بر آن داشت تا او را به مکتب خانه فرستد تا قرآن را حفظ کند . پس از گذر ایامی چند ، شیخ موسیقی شرقی را آموخته در آن تبخّر یافت . از این رو به خواندن قصاید و ابتهالات دینی پرداخت و چنان الحان و نغماتی را در این قصاید به کار برد ، که عقل ها را از سر به در کرده ، به آنان شادی و نشاطی وصف

ناشدنی می بخشید و شاید بتوان گفت که بسیاری قصاید دینی را که امروزه در محافل و مجالس می شنویم همه از نغمات زیبای اوست . بیشتر آنان که به سرودن این قصاید پرداخته اند بر همین اسلوب و فنون عمل کرده ، در چهار چوب مکتب او پرورش یافته اند . شگفت آنکه عموم از این نکته غافلند و شاید هرگز در اذهان چنین اندیشه ای رسوخ نکرده باشد که آهنگ ها و نغماتی را که محمد عبد الوهاب ، موسیقی دان بزرگ عرب ، ساخته مبتنی بر نظرات و آراء شیخ علی محمود بوده است ؛ چرا که تمامی این آهنگ ها و الحان پیش از آنکه در رادیو به سمع مردم برسد بر او عرضه شده است . شیخ علی محمود با وجود آنکه مردی نابینا بود ، در این طریق تا آنجا پیش رفت که به عنوان یکی از نوابغ زمان مطرح گردید . او از دوستان سید درویش بود و هرگاه که به سرودن قصیده « بدر تجلی فی الافق » می پرداخت ، و آن را به آواز می خواند سید از استماع صدای او به شدت می گریست . زمانی که از او خواسته شد که پیرامون شخصیت شیخ محمود سخن بگوید ، بیدرنگ او را نابغه ای عظیم خواند و اظهار داشت که سرآمد تمامی ملحنین و نوازندگان است . صوت زیبای شیخ علی محمود همواره نوازنده دل و جان مستمعین بود. صوتی که هیچ گاه به جهت آن اجر و مزدی طلب نمی کرد . با این وجود منزلش مامن اهل فن و ادبا و بزرگان زمان بود. او از برترین پیش کسوت ترین قاریان می باشد . استاد در سرودن قصاید ، دارای شیوه خاص خویش بود ؛ همان شیوه ای که دو تن از مشاهیر بزرگ مصر در سایه آن پرورش یافتند و پس از استادشان از بزرگترین علمای فن شدند . « شیخ طه الفشنی » یکی از اساتید برجسته ای است که در فن تواشیح

خوانی و سرودن قصاید شهرت چشمگیری یافت . کسی که عاشقان قرآن و حضرت رسول و خواندان مطهرش بارها و بارها مدایح و تواشیحات زیبای او را استماع کرده اند . از دیگر شاگردان او شیخ زکریا احمد بود . مردی که در زمینه ی نغمات چنان پرورش یافت که بعد ها در آستان وی بزرگترین علمای این فنون پا به عرصه عمل گزاردند . گرچه شیخ زکریا احمد در آغاز کار تنها یک قاری قرآن بود . آنگاه که صوت زیبای شیخ علی محمود را شنید به مکتب او پیوست و به همراهی او به سرودن تواشیح و ابتهالات و قصاید دینی در مراسم و محافل پرداخت ؛ اما پس از آن به کار موسیقی روی آورده و پس از چندی در این فن به مقام استادی رسید . این همه تجلی مقام علی محمود بود که در آستانش چنین افرادی تربیت یافتند . همان کسی که عنوان داشت که صوت شکل و ظاهر است و آنچه که اصل است لحن می باشد که در برگیرنده مفهوم و مضمون می باشد . پس آنگاه که مضمون زیبا باشد مستمع دیگر توجهی بدان صورت به شکل و ظاهر نخواهد داشت . شخصی که اهل فن باشد با آشنایی با مقام ها می تواند از صدای ناخوش چنان صوتی بیافریند که تمامی مستمعین را مدهوش و شیدا سازد . شیخ علی محمود می گوید : لحن زیبا همان لحن ساده و صادقی است که با سادگی خویش مفاهیم عمیق و عظیم را با صداقت بر شنوندگان بیان کند . از دیگر پرورش یافتگان مکتب شیخ علی محمود ، محمد عبدالوهاب ، آهنگساز و نوازنده معروف عرب ، می باشد که در آغاز کار خویش تمامی الحان و نغمات خود را بر علی محمود عرضه می کرد و تمامی آهنگ ها و ساخته های دست او را پیش از آنکه به استماع مردم برسد شیخ علی محمود

شنیده بود . شیخ علی محمود مطلع شد که جوانی معمّم قرآن را تلاوت کرده ،  
قصاید و ابتهالات را به طریقه ای نوین که احدی پیش از آن چنین شیوه ای  
نداشته است ، قرائت می کند و شهرت و آوازه او از محدوده ای که در آن متولد  
شده تجاوز کرده است . شیوه این جوان معمّم که سید درویش نام داشت مورد  
توجه شیخ علی محمود قرار گرفته از این رو شاگرد و دوست و همراهش ، شیخ  
ذکریا احمد را به اسکندریه به نزد سید فرستاد ؛ چه او دوست می داشت که این  
فن جدید را شنیده و حقیقت آن را نیز یاد بگیرد . شیخ ذکریا نیز به آنجا رفت ،  
سید را یافت و سید چون دریافت که او فرستاده شیخ محمود است بسیار شادمان  
گردید و مجلس جشنی به پا کرده ، تا میانه روز برای شیخ ذکریا احمد به تلاوت  
قرآن پرداخت . سپس سید به همراه او به قاهره سفر کرد و در منزل شیخ  
محمود اقامت گزید . وی به مدت سه شب برای شیخ و یارانش خواند . به این  
طریق این فن جدید نیز که به ذهن احدی خطور نکرده بود بر آنان مکشوف  
گردید و در مدت کمتر از یک هفته تمامی آن فنون را به وی آموخت . از عادات  
شیخ علی محمود آن بود که همیشه اذان صبح را در مسجد امام حسین (ع) با  
صدای بلند سر می داد . در این لحظات این میدان شاهد انبوهی از جمعیت می  
شد که از هر مکانی برای استماع صدای اذان شیخ به آنجا آمده بودند . در میان  
این جمعیت شیخ محمد بابلی و حسین ترزی و امام العبد و شیخ بشری و شیخ  
جزار به چشم می خوردند که اینان نیز قبل از اذان در آن مکان گرد هم می  
آمدند . اشتیاق تا بدان حدّ بود که رادیوی قاهره اقدام به ضبط این اذان می کرد  
در ایام مبارک رمضان علاوه بر این رادیو ، رادیوی کویت نیز آن را پخش می

کرد . شیخ علی محمود علاوه بر تلاوت قرآن بیشتر سعی در خواندن قصاید و ابتهالات دینی و تواشیح داشت . شیخ هرگز جز طریق منزل تا مسجد را طی نکرد . همواره در مکان مقدس و معنوی مسجد الحسین (ع) به تلاوت می پرداخت و جز این تنها مکانی که در آنجا به تلاوت اهتمام می ورزید منازل فقرا و نیازمندی بود که شیخ را می شناختند و به او عشق می ورزیدند . او بسیار کریم و سخاوتمند بود و تا آنجا پیش رفت که تمامی ثروتی را که از پدرش به او به ارث رسیده بود در میان فقرا و نیازمندان انفاق کرد . مسجد امام حسین علیه السلام در قاهره نقل کرده اند زمانی که سعد زغلول از رهبران مصر وفات کرد شیخ در مجلس ترحیم او همراه با تنی چند از قاریان بزرگ به تلاوت قرآن پرداخت . سپس در میان باب الخلق خیمه بزرگی برپا کرد و در آنجا به مدت یک هفته به سرودن قصاید و ابتهالاتی در رثای سعد زغلول پرداخت . شیخ تنها یک بار مصر را به قصد شهر یافا در فلسطین اشغالی ترک گفت . مدت یک هفته در این شهر اقامت گزید و در آنجا نیز قصاید و ابتهالاتی بسیار زیبا خواند . پس از آن بارها از او دعوت های مکرری انجام گرفت که هیچ کدام را نپذیرفت . تنها در یکی از این دعوتها که به شام رفته بود . احساس بیماری به وی دست داده بلافاصله به مصر بازگشت . این بیماری سرانجام زمینه ساز رحلت این استاد بزرگ گردید . مردی که تمامی ثروت و اموالش را وقف فقرا و درماندگان و قاریان قرآن کرد . فردی که شهرت و آوازه اش علاوه بر مصر بر سایر کشورهای اسلامی نیز سایه افکنده ، مورد توجه و علاقه همگان قرار گرفت . مردی که تمامی ستارگان قرائت از خورشید وجود او نور گرفته اند و همواره در

آستان سراسر فضلش سر تعزیم فرود آورده اند و بدین سان وجود او زمینه ساز ظهور نوابغ زمان پس از خویشتن گردید.

### زندگینامه شیخ سید متولی عبدالعال

**شیخ سید متولی عبدالعال** آن زمان که او تعلیم و آموزش علوم و فنون این کتاب مقدس را آغاز کرد، کودکی بیش نبود. شاید در آن ایام بر ذهن احدی خطور نمی کرد که روزی این کودک بتواند تلاوت هایی چنین زیبا اجرا کند. هنوز هفت سال بیشتر نداشت که سه جز از این کلام مقدس را حفظ بود و این خود پیشرفتی عظیم در این راستا بود. او چون سایر قاریان در آغاز کار به تقلید از اساتید برجسته قرائت قرآن پرداخت. شاید تلاوت های این قاری برجسته در کشور جمهوری اسلامی ایران هیچ گاه نمی توانست در ذهن مستمعین این تصور را پدید آورد که استاد، روزی مقلّد قاریان دیگر بوده است. در سال **1370** که این استاد و قاری ارجمند به همراه استاد شحات محمد انور به کشورمان سفر کردند، جذبه تلاوت هایشان بسیاری را شیفته ساخت. تا به آنجا که خود استاد تحت تاثیر واقع شدند. آری، استاد سید متولی عبدالعال یکی دیگر از قاریان برجسته کلام مقدس خدایند و چونان بسیاری از پیشکسوتان این راه، عمری را در این مسیر صرف کرده اند. تولد وی در خانواده ای متعهد و پایبند به مسائل عرفانی و دینی بود. مادرش که محب عرفا و صوفیه بود از همان آغاز، نام سید را

که به یکی از عرفا و صوفیه بزرگ، سید احمد البدوی متعلق بود، بر فرزندش نهاد تا او نیز جز در این راه گام نهد. پدر وی متولی نام داشت. استاد از همان اوان کودکی برای تحصیل به مکتب رفته و در آنجا با وجود سن اندک 3 جز از قرآن را حفظ نموده و در این راه پیشرفت شایانی کرد. وی همانند بسیاری از مبتدیان این طریقت، بر حسب کوشش و طاقت صوت خویش، به تقلید از استاد عبدالباسط و استاد مصطفی اسماعیل می پردازد. آن زمان که او بیش از 12 سال سن ندارد به عنوان حافظ کل قرآن مطرح می شود و در همین ایام نیز شیوه و احکام تجوید قرائت را آموخته و در محافل و مجالس به تلاوت اهتمام می ورزد. استاد عبدالعال در 13 سالگی طریقه و روش خاصی برای خویش اتخاذ نموده و سبک خویش را برمی گزیند زیرا بر این عقیده است که : « خداوند سبحان در صوت هر انسان ، طنین و آوای خاصی نهاده است و بر این اساس هیچ گاه نمی تواند صوتی را به صوتی تشبیه نمود. آن زمان که یک قاری پس از ممارست و پشتکار فراوان می تواند قاری برجسته ای شود، بهتر آن است که طریقه ای خاص خویش برگزیده و به این ترتیب بر این سبک که نمایانگر شخصیت حقیقی اوست استوار بماند؛ زیرا الگو ساختن تلاوت خاصی در اوان کودکی و آغاز کار و تقلید از آن شیوه نیکویی است که قاری می تواند به این طریق با پیشرفت خویش، سبک خاص خود را انتخاب کند. تلاوت به سبکی تقلیدی از یک استاد، در واقع سبب معروفیت و شهرت همان استاد مقلد است نه فرد تقلید کننده و من باز توصیه می کنم که هر فردی برای خویش سبکی خاص داشته باشد. استاد متولی در پاسخ به این سؤال که فراگیری علم نغمات صوتی و مقامات الحان

چگونه می باشد بدین گونه پاسخ دادند: طبعاً برای دانستن و آموختن هر علمی باید آن را یافت و جست و جو کرد. همان طور که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» یعنی: و از اهل ذکر (یعنی علما و دانشمندان هر امت) اگر نمی دانید سؤال کنید و بدیهی است که مقامات الحان خود دارای علمی پیچیده است و علمایی خاص خویش دارد که برای یادگیری این علوم و فنون باید از اهل آن و علمای آن تفحص نمود. تا به این طریق بتوان از عهده تلاوت و عملی نمودن مقامات برآمده و به اجرای آنها پرداخت. به عنوان مثال: نغمات رست صبا و سه گاه چیست و چگونه باید آن ها را در تلاوت اجرا نمود؟ به این ترتیب می توان هر دستگاهی را مرتب اجرا کرد. گذشته از این ها باید الحان را توام با احساس قلبی و منطبق بر معانی و مفاهیم قرآن کریم پیاده کرده تا در جان و قلب مستمع نفوذ کند و در او اثر نماید و قرآن را بیشتر درک کرده و لذت وافر از این امر ببرد در غیر این صورت دانستن موسیقی صرفاً به جهت زیبا ساختن صوت هیچ سودی نخواهد داشت. استاد متولی عبدالعال در سال 1370 به کشور جمهوری اسلامی ایران مسافرت نموده و پس از آن در هشتمین دوره مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن که در دهه فجر همان سال در حسینیه ارشاد جریان داشت عهده دار داوری مسابقات شدند. سپس با مسافرت های متعدد خویش به شهرهای قم ، مشهد ، کرمان و یزد، شور و شوقی وصف ناپذیر در محافل قرآنی به پا کرده و توانستند با تلاوت های زیبای خویش خیل بیشماری را شیفته این کلام مقدس سازند. تا بدانجا که خود ایشان در خاطرات شان همواره به این نکته اشاره دارند که این

شور و عشق به قرآن و قاریان قرآن، در هیچ جا نمی توان بدین گونه شاهد بود. وی به حقیقت اینها را بالاترین اشتیاق به کلام مقدس خداوند می داند که این عشق، پیر و جوان، زن و مرد نمی شناسد؛ عشقی که از دل هایی پاک برخاسته و انظار را متعجب می سازد. ایشان در سال 1370 به دعوت کانون قرآن کریم دانشگاه تهران در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه به تلاوت قرآن کریم پرداخت که خاطره آن تلاوت در میان انبوه عاشقان کلام خداوند هرگز از اذهان فراموش نخواهد شد. طی مصاحبه ای که رادیو قرآن با استاد داشتند، ایشان ضمن توصیه هایی در باب قرائت قرآن و اهتمام به آن، علاقه خویش را برای مسافرت مجدد به ایران اعلام کردند. وی خواهان آن بودند تا در فرصتی مناسب سفری دیگر به ایران داشته باشند چرا که خاطرات مسافرت به ایران را از بهترین خاطرات خود می دانند. استاد «سید متولی عبدالعال» از جمله قاریان بنام و مشهور کشور مصر می باشد که در دهه اخیر به اوج شهرت خویش دست یافت و این امر بواسطه تلاوتهای بسیار زیبای این استاد است که توام با نغمات حزین و صدای گرم و نوای هیجان برانگیز و ملکوتی وی می باشد. او در نزد قاریان کشور ایران و علاقمندان و شیفتگان کلام نورانی وحی هم اکنون از محبوبیت و شهرت بسیاری برخوردار است و نوای دلنشین و موزون تلاوت این استاد در کشور اسلامیمان طرفداران بسیاری دارد. این استاد قاری، در بهمن ماه سال 1370 بنا به دعوت اداره اوقاف و امور خیریه استان تهران سفر پرباری به میهن جمهوری اسلامی ایران داشتند که به مدت یک هفته در تهران برنامه تلاوت قرآن به همراه استاد «شحات محمد انور»

داشتند . سپس در داوری هشتمین دوره مسابقات بین المللی حفظ و قرائت قرآن که در دهه فجر همان سال در حسینیه ارشاد تهران جریان داشت شرکت نمود و سپس در پی سفرهای متعددی که به شهرهای مختلف میهن اسلامی ما داشتند از قبیل: قم ، مشهد ، کرمان و یزد با تلاوتهای زیبا و نغمات محزون خویش ، شور و حرارت خاصی به محافل نورانی قرآن ما بخشید و عاشقان قرآن کریم ، حظ وافر از تلاوت این استاد ارجمند کسب نمودند . مصاحبه ای که در ذیل از نظر شما عزیزان می گذرد ترجمه فارسی مصاحبه عربی با این استاد می باشد که در شهرستان قم انجام گرفت :

**س1-** استاد اول ضمن معرفی خودتان از شما می خواهیم که توضیح دهید چگونه شروع به قرائت قرآن و حفظ آن نمودید و هنگامی که شروع به تلاوت نمودید آیا سبک خاصی داشتید یا از قاری دیگری تقلید می نمودید؟

**ج1:** به نام خداوند بخشنده مهربان و با سلام و درود فراوان بر پیامبر گرامی اسلام و آل و اصحاب گرامیش ؛ نام من : «سید متولی عبدالعال» ، هنگامی که برای اولین بار و تازه شروع به تلاوت قرآن کرده بودم کودکی بودم که در مکتب تحصیل می نمودم و وقتی که 3 جزء از قرآن را حفظ نمودم در سن 7 سالگی به سر می بردم و پیشرفت شایانی در حفظ قرآن نمودم؛ در آن زمان به قرائت برخی از قاریان قدیمی عشق می ورزیدم و از آنها به میزان طاقت و کشش صوت خویش تقلید سبک می نمودم ؛ یعنی اگر توانایی تقلید از «شیخ عبدالباسط» داشتم از او تقلید می کردم و نیز اگر توانایی تقلید از لحن «شیخ مصطفی اسماعیل» که بسیار مورد علاقه ام بود را داشتم از وی نیز تقلید می

نمودم. البته همان طور که عرض کردم، برحسب توانایی صدایم که خداوند تبارک و تعالی به من موهبت نمود. هنگامی که حفظ کل قرآن کریم را در مدت پنج سال به اتمام رساندم در آن زمان نوجوانی 12 ساله بودم و احکام و قواعد تجوید و قراءات را آموختم؛ و در آن زمان به صورت جدی شروع به تلاوت قرآن نمودم و در محافل گوناگون از بنده دعوت به عمل می آمد. من در 13 سالگی بودم که طریقه و روش خاصی را برای خویش اتخاذ نمودم، زیرا که خداوند سبحانه و تعالی برای هر انسان طنین و آوای خاصی را در صوتش قرار داده که هیچ گاه نمی شود گفت که صوت فلانی شبیه صوت دیگری است. هنگامی که یک قاری بعد از تمرین و کار زیاد بدل به قاری خوبی می شود و مراحل بلوغ را پشت سر می گذارد، بهتر است که طریقه ای در قرائت را برای خود برگزیند که نمایانگر حقیقی شخصیت خود باشد؛ از جهت یک قاری مسلط و ماهر، و تحت تاثیر شخصیت دیگری قرار نگیرد. لیکن در سنین کودکی شخص به صورت تفریحی و یا تمرینی و همچنین جهت آمادگی صدایش جذب صدای بخصوصی می شود و صوت تلاوت یک قاری را ممکن است الگوی کار خویش قرار دهد و از او تقلید کند؛ که باکی نیست و اشکالی ندارد، کما این که اکنون شما از صدای «شحات محمد انور» یا خود بنده «سید متولی عبدالعال» خوشتان آید و ما را دوست بدارید. همه قراء بزرگ را نظیر استاد «عبدالباسط» و «مصطفی اسماعیل» که در اصل آنها بزرگان علم قراءات و اساتید اصلی ما به حساب می آیند، همچنین استاد «شعیشع» را شما دوست می دارید و از الحان و نغمات آنها تقلید می کنید، ولی باز این نکته را متذکر می شوم و آن را ضروری

می دانم که عرض کنم: هنگامی که قاری به سن بلوغ می رسد و بزرگ می شود، لازم است برای خود شیوه و طریقه خاصی را در تلاوت قرآن اتخاذ نماید تا بواسطه آن شیوه قرائت و صوت خویش، در نزد دیگران شناخته و معروف شده گردد؛ بطوری که هنگامی که دیگران صدایش را بشنوند، همان شخص به واسطه صوت و آوای مخصوص خود در نظر مردم جلوه گر گشته و شناخته شود.

**س2-** وجه تسمیه شما به «سید» چیست؟ و آیا نام شما «سید» است یا «متولی»؟  
لطفاً در این مورد توضیح بفرمایید:

**ج2:** اما سبب نامگذاری من به «سید» این است که چونکه اغلب مادران صوفیها را دوست دارند، مانند استاد و سید من: «سید احمد البدوی» که از رجال صوفیه است؛ به خاطر این، مادر من - رحمه الله علیها - به خاطر علاقه و ارادتی که نسبت به رجال صوفیه که اکثراً عارف به حق خدا هستند داشت، مرا به اسم سید و سرور من: «سید احمد البدوی» به نام «سید» نام گذاری کرد و این نام را خود برایم انتخاب نمود. و متولی نام پدرم است، ما در کشور مصر نام «سید» زیاد داریم و قاریان معروف و اساتید که سنی از آنها گذشته باشد در صورتی که افراد صالحی نیز باشند به کلمه «شیخ» مورد خطاب قرار می گیرند. و جهت تکریم و احترام از آنها مثلاً به عنوان شیخ فلان و شیخ فلان نام می برند و این یک چیز رایج و متداولی در کشورمان مصر است.

**س3-** از استاد در مورد نغمات صوتی و مقامات الحان و چگونگی فراگیری این علم نیز سؤال شد که ایشان در این زمینه توضیح بسیاری دادند که ما به مهمترین آنها در ذیل اشاره می کنیم:

**ج3:** طبعاً برای دانستن و آموختن هر علمی، باید آن را یافت و جستجو کرد. همان طور که خداوند در قرآن کریم فرموده است: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون» ترجمه: «و از اهل ذکر (یعنی علما و دانشمندان هر امت) اگر نمی دانید سؤال کنید». «سوره نحل آیه 43». بدیهی است که مقامات الحان، خود دارای علمی پیچیده است و علمای مخصوص به خود را دارد که متخصص این گونه موارد هستند و شما برای دستیابی به خواسته های خویش، از علمای اهل فن این کار سؤال و بحث و جستجو کنید و از آنان درس و تمرین بخواهید تا هنگامی که فلان مقام را اگر خواستید بخوانید از عهده اجرای آن به خوبی برآیید. و بدانید اگر دستگاه: «بیات» و «رست» و «سه گاه» و غیره را اجرا می کنید، اینها چه هستند و چگونه باید آنها را در تلاوت اجرا نمود. و همین طور از اهل معرفت و دانش علم تلقی کنید، و هر دستگاهی را مرتب بخوانید. و این را بدانید که گذشته از اینها باید الحان را با احساس قلبی و منطبق بر مبانی و مفاهیم آیات قرآن کریم پیاده کرد تا در جان و قلب مستمع نفوذ کند و در او اثر نماید و قرآن را بیشتر درک نماید و لذت وافر از این امر ببرد و گرنه دانستن موسیقی صرفاً به خاطر زیبا کردن، هیچ فایده و اجری ندارد.

**س4-** ضمن تشکر از بیانات شیوای جنابعالی لطفاً بفرمایید وقت مناسب جهت تمرین قرائت و صوت از نظر شما چه موقعی می باشد؟

**ج4:** همان طور که سابقاً نیز گفته بودم؛ و من این نکته را از علمای مخصوصش دانستم، وقت مناسب و افضل جهت تمرین، در صبح زود قبل از صرف صبحانه می باشد. بنابراین قاری اول باید عادت کند که صبح زود از خواب برخیزد و پس

از اقامه نماز به وقت، قبل از طلوع آفتاب حفظ آیات قرآن را مرور نموده و سپس حداقل به مدت 10 دقیقه یا 7 دقیقه جهت تمرین، قرآن تلاوت نماید؛ قبل از صبحانه و با صوت متوسط تلاوت کند نه با صوت بلند و جواب لحن؛ و بدانید که این تمرین بسیار خوبی برای صوت است.

**س5-** در آخر ضمن تشکر از شما که جواب گوی سوالات ما و برادران قاری دیگر بودید، نظر خودتان را در باره سفر اخیرتان و دیدار با ملت جمهوری اسلامی ایران بیان فرمایید؛ و مشاهدات خود را در این زمینه از محافل قرآن بازگو نمایید.

**ج5:** اینجانب در مصاحبه با مجلات، روزنامه ها، صدا و سیما و خدمت رهبر معظم انقلاب عرض کردم در هیچ جای دنیا مانند ملت ایران ندیدم و در حد بسیار بالایی در عشق ورزیدن به قرآن و اهمیت دادن به این کتاب آسمانی در سطح عالم، ملت بی نظیر و بی مانندی هستند و من این را به چشم خویش مشاهده کردم یا حتی حالا می توانم بگویم که در حد کشورهایی که بنده به آنها مسافرت نموده بودم این را به عنوان واقعیت و بدون غلو عرض می کنم که از این حیث ملت شما بی نظیر است. بنده همانند این مردم با ایمان که دل های پاکی دارند و آحاد مردم شما را در هیچ جا مشاهده ننمودم، آنها به قرآن عشق می ورزند چه جوان و پیر و زن و مرد و حتی کودکان خردسال، و این یک حقیقت است که من می گویم و قصد مبالغه ندارم. و بنده حاضرم هر وقتی از بنده دعوت بعمل آید در سال های آینده باز هم به کشور ایران مسافرت نمایم و از خداوند منان خواستارم که هر سال ما را موفق به دیدار شما عزیزان سازد. و خداوند ان شاء

الله به همه ملت ایران رفاه و سعادت و خیر فراوان ارزانی نماید و به مسئولین  
محترم و قاریان خوب شما عزت و افتخار بیشتری نصیب فرماید. و السلام علیکم  
و رحمه الله و برکاته.

زندگینامه شیخ مصطفی اسماعیل



اکبرالقراء استاد مصطفی اسماعیل از مشاهیر و نوابغ علم قرائت قرآن در جهان  
اسلام است که کلام خدا را با آهنگی بسیار لطیف و دلنشین و با الحانی منطبق با  
معانی و مفاهیم الهی تلاوت می کند. وی استادی است بی بدیل که در فن قرائت  
سبکی بسیار ممتاز دارد. مردی است که تمامی قاریان جهان در آستان پر از

معنویتش سر تعظیم فرود می آورند و همه به او عشق می ورزند

به راستی که تلاوت شیوا و ممتاز قاری برجسته ای چون مرحوم استاد مصطفی اسماعیل که توأم با دلپذیرترین نغمات آسمانی و کلام روح بخش آیات الهی می باشد جان را طراوت و آرامش می بخشد و این چنین است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرمایند «صدای نیکو زینتی است برای قراء». قاریان مبرز و اهل فن بر این عقیده اند که صوت محزون مرحوم استاد مصطفی اسماعیل دارای صفا و پختگی و جذبه ای روحانیست که به دل های مستمعین می نشیند و از گیرایی خاصی برخوردار است .

مصطفی را ، نه تنها قرائت او بلکه تواضع و جوان مردی اش دوست داشتنی می کند. وقتی سوره احزاب را می خواند مردم چنان فریاد به تحسین اومی گشایند که مجلس به خود می لرزد و وقتی در اثنای قرائت با تواضع و افتادگی از مردم اجازه پایان قرائت خود را می خواهد ، آن ها به او اصرار می ورزند و از او ادامه قرائت را التماس می کنند. او نیز می خواند و آنگاه یکی از قرائت های استثنایی تاریخ را می آفریند و سوره الحاقه را چنان می خواند که مستمعین را هوش از سر به در می شود. تلاوت های مرحوم استاد مصطفی اسماعیل تا اعماق جان انسان رسوخ نموده و مستمع را به اندیشیدن در آیات الهی قرآن و پند و عبرت گرفتن از کلام پروردگار متعال ترغیب می کند. بجاست در این زمینه به سخنان حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی که در جمع قاریان و

:کارکنان رادیو قرآن ، ایراد فرموده اند توجه کنید

هنر قاری قرآن این است که هرچه بیشتر معانی قرآن را در ذهن مستمع «  
مجسم بکند؛ به این نکته توجه کنید: این که می بیند یک تلاوت گری یک دفعه  
گل می کند و اهل نظر و اهل بصیرت او را قبول می کنند بی جهت نیست یک  
علتی دارد. شیخ مصطفی اسماعیل یا عبدالفتاح و اساتیدی از این قبیل کسانی  
هستند که وقتی قرآن می خوانند شما می بینید مفاهیم قرآن در ذهن شان  
مجسم است؛ احساس می کنید او دارد مفاهیم را به شما میدهد نه حرف را؛ علت  
(شهرتشان) اینها هست لذاست که اینها در همان منطقه خودشان هم معروف می  
شوند و دیگران و شاگردهایشان مقلد اینها می شوند. و شما نگاه کنید بین این  
قراء بزرگ؛ مثلاً شیخ مصطفی اسماعیل که من دقت کردم و شاید دیگران هم  
همین طور باشند من ندیدم جایی در وقف مطلق مصطفی اسماعیل نایستد ؛  
معمولاً می ایستد ؛ شما هم بایستید ؛ این ایستادن صدا را زیباتر و دلنشین تر می  
. » کند و هم معنی ؛ این هم یک نکته بود

شیوه ای را که مرحوم مصطفی اسماعیل در علم قراءات مبتکر آن بوده است  
شاهکاری برجسته است که در آن قاری قرآن همزمان با تلاوت و بیان علم  
تجوید قادر است تا مفاهیم آیات الهی را به مستمعین برساند و تجسم عینی  
مفاهیم عمیق قرآنی را ایجاد نماید و اینچنین است که جوهر و بطن قرآن کریم  
در لحن زیبای قاری گرانقدر و ارجمندی چون مرحوم استاد مصطفی اسماعیل می

درخشد . مرحوم استاد به کلیه قراءات سبعة و راویان قراء تسلط و چیرگی خاصی داشت و با قرائت گوناگون قرآن کریم را تلاوت می نمود ، اما اکثراً به قرائت ورش مصری به تلاوت آیات مبادرت می ورزید . همچنین او به تمامی مقامات و الحان قرآنی مهارت و استادی وافری داشت بطوری که اهل فن او را . یگانه مقری قرآن می دانند

مصطفی در ناحیه طنطا از کشور مصر متولد گردید و تحت آموزش اولیه استاد سید البدوی قرائت قرآن را فرا گرفته ، سپس در ناحیه طنطا در مؤسسه الاحمدی به همراه شیخ خلیل الحصری در محضر شیخ «ابراهیم سلّام» که از بزرگترین اساتید آن زمان بود به تحصیل علوم عالی قرائت پرداخت . زمانی که مصطفی برای اولین بار به شهر قاهره مسافرت کرد ، در ملاقات با شیخ محمد رفعت قرائت قرآن نمود ، آنگاه امام القراء دستانش را در میان گرفته ، آینده ای درخشان را به او نوید داد . او که یک نابینا بود با چشم بصیرت مصطفی را به . خوبی شناخت و زیبایی کار او را در اعماق وجود خویش احساس کرد . مصطفی یکی از اساتید مسلم علم قرائت است ، استادی که با آشنایی با نغمات و مقامات موسیقی و علم تجوید ، بهترین و بالاترین قرائت ها را آفریده است . او می گوید : « طریقه تجوید و صوت قرآن کریم بر پایه حدود 18 مقام استوار است که برخی از آنان عبارت اند از : بیات و مشتقات آن... صبا ، شور ، حجاز ، رست ، سه گاه ، عجم ، مرمّل ، نهاوند ، عشاق و ... » از نظر مصطفی یک قاری

قرآن که دارای صوتی زیباست ناگزیر است که با موسیقی آشنا باشد و نیز وقف و ابتدا را باید بداند ، اما این همه در شرایطی است که قاری به اصول تلاوت خلی وارد نساخته و حق آیات را ادا کند . صوت خوش در آیات و احادیث نیز پسندیده است و همواره مورد تایید بوده است . آنجا که حضرت رسول (ص) فرمودند : « قرآن را با صوت زیبا ، نیکو بخوانید » و همچنین می فرمایند : « آن کس که قرآن را با تَغْنی و آهنگ قرائت نکند از ما نیست » . همه می دانند مقصود از غنا و آهنگ در اینجا صوت نیکوست . صوتی که حق تلاوت را آن . چنان که مورد رضای خداست فراهم می سازد .

مرحوم استاد حصری درباره صوت استاد مصطفی اسماعیل می گوید « او از جمله قاریان ممتازی است که در بیان الحان قرآنی تسلط و استادی خاصی داشت . از نظر مصطفی یک قاری قرآن بزرگترین و بهترین سفیر برای اسلام و کشور خود می باشد . وی در این راستا عنوان می کند که در سفری که در سال 1352 به ترکیه داشته است استقبال زیادی از سوی مردم و مقامات کشوری صورت گرفت ، تا آنجا که نخست وزیر ترکیه خود شخصاً به استقبال و دیدار با وی آمدند و به همراه وزیر فرهنگ به مدت نیم ساعت با وی به گفتگو نشستند ، پس از آن قرآنی را که حروف آن با آب طلا نوشته شده بود ، به او هدیه کردند . و نیز طی مسافرت هایی که به لبنان داشت از سال 1353 به مدت 3 سال در ایام ماه مبارک رمضان به تلاوت قرآن در این کشور پرداخت ؛ در اینجا نیز به او

نشان درجه یک کشور را اعطا کردند . شیخ مصطفی اسماعیل به کشورهای بسیار زیادی در اقصی نقاط جهان مسافرت کرده است . وی می گوید : « یک قاری قرآن در قلوب مسلمین جهان جایگاه ویژه ای دارد . مردم از او استقبالی شایسته شخصیت او به عمل می آورند ، حتی از زمانی که قدم در فرودگاه آن دیار می گذارد ، روزنامه ها و مجلات پیرامون تاریخ زندگی او و تاریخ کشورش ، مقالات بسیار می نویسند و رادیو و تلویزیون نیز در این رابطه به پخش برنامه . » هایی اهتمام می ورزند

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای به تلاوت های مصطفی اسماعیل علاقه وافری دارند . ایشان می فرمایند : « علّت شهرت این قاری این ...است که به هنگام تلاوت مفاهیم و مضامین را در ذهن مجسم می کند آری استاد مصطفی ، از اساتید برجسته ای است که چون تلاوت می کند ، هر جا که شنونده ای باشد بی اختیار به تحسین و تشویق او لب می گشاید . آنگاه که لفظ (ماء) را تلاوت می کند ، چنان می خواند که مستمع آب را در مقابل دیدگان . مجسم می کند . این حالت در تمامی کلمات و آیات مشهود است از مشهورترین اماکنی که استاد در آن مکان ها به تلاوت قرآن پرداخته است ، مسجد جامع اموی ، جامع کبیر در لبنان ، مسجد امام حسین (ع) در عراق ، مسجدالاقصی ، مسجدالحرام و مسجد جامع کبیر در پاریس را می توان نام برد . این اساتید بزرگ علم قرائت قرآن علاوه بر تلاوت های مجلسی ، تمامی قرآن

کریم را نیز به شیوه ی تحقیق و ترتیل قرائت کرده است که در اکثر کشورها ، شیفتگان کلام الهی ، به تلاوت های زیبای او گوش جان سپرده ، از آن بهره ها می گیرند و قاریان بسیار با استماع تلاوت هایش در این راه به مراتب اعلی در قرائت قرآن رسیده اند . تلاوت های این استاد مسلم علم قرائت همه هفته از رادیو قرآن جمهوری اسلامی ایران به سمع دوستداران تلاوتهای ایشان می رسد .

سرانجام شیخ مصطفی اسماعیل پس از عمری پربار ، در حالی که شیفتگان بیشماری از تلاوت های دلنشین خویش برجای گذارده بود ؛ در سال 1359 ه.ش. در شهر قاهره به سوی معبود شتافت و بدین سان جهان اسلام در غم از دست دادن نابغه ای - که سراسر جهان به عظمتش معترف بود - سوگوار گردید . فردی که با صوت و لحن دلنشین اش توانست بسیاری را فراسوی دین مبین اسلام رهنمون سازد . همانگونه که خود بارها گفته بود : یک قاری قرآن . بزرگترین سفیر قرآن عزیز است .

زندگینامه استاد محمود صدیق منشاوی



آن زمان که استاد شهیر علم قرئت قرآن محمد صدیق 1348 در سال المنشاوی دیده از جهان فروبست اندیشه خاموش شدن صوت الهی و تلاوت های زیبای او همگان را در غم و اندوه فرو برد . استادی ارجمند که تلاوت های محزون او همگان را در جذبه ای سرشار از معنویت فرو می برد . آن زمان که شیخ محمود صدیق منشاوی به تلاوت قرآن می پرداخت شاید بسیاری بر این اندیشه بودند که او کسی جز استاد محمد صدیق نمی تواند باشد صوت و شیوه تلاوت این استاد یادآور تلاوتهای محزون و پرجذبه استاد مرحوم محمد صدیق منشاوی است . ایشان که یکی دیگر از تربیت شدگان مکتب قرآن از خاندان . ه.ش. در شهر منشاوی مصر به دنیا آمد 1319 منشاوی است ، در سال

او نیز تحت تربیت پدرش شیخ صدیق منشاوی که از اساتید قرائت قرآن در دانشگاه الازهر و آشنا با دیگر علوم اسلامی بود به این طریق پا نهاد . جد وی

«شیخ طیب منشاوی» از اساتید خوشنویسی و حافظ کل قرآن بود که تمامی این کتاب مقدس را 4 مرتبه با خط زیبای نسخ تحریر نموده است. از اساتید وی باید به شیخ خلیل عثمان اشاره کرد که از قاریان عصر و از فضلاء علوم قرآنی در شهر منشاوی محسوب می شد. استاد منشاوی پس از پایان اتمام تحصیلات متوسطه جهت طی مدارج عالی وارد دانشکده علوم دانشگاه الازهر مصر شده موفق به اخذ گواهینامه لیسانس در رشته آموزش و پرورش گردید. ایشان همواره در محافل و مجالس قرآنی به تلاوت می پرداختند که در این راستا پیشرفت های چشمگیری نیز کسب کردند. استاد به کشورهای اروپایی آفریقایی و آسیایی مسافرت نمود و با اساتیدی چون عبدالباست غلوش عبدالحکم و بسیاری دیگر از قاریان ممتاز همسفر بوده است. زمانی که از ایشان در رابطه با برادر بزرگوترشان سؤال شد چنین پاسخ دادند: برادرم استاد محمد سال داشتند و ایشان را شیخ القراء می 49 صدیق منشاوی به هنگام وفات نامیدند چون تلاوتشان در نهایت خضوع و خشوع بود. قاریان قرآن باید پس از حفظ کامل قرآن و فراگیری علم تجوید هنگام قرائت خشوع کامل داشته باشند و قرآن را فقط برای رضای خدا بخوانند. رسول اکرم (ص) می فرماید: « هنگام قرائت گریه کنید و اگر نمی توانید حالت گریه به خود بگیرید ». استاد منشاوی به همراه استاد شعبان عبدالعزیز صیاد به 1370 در ماه مبارک رمضان سال کشور جمهوری اسلامی ایران مسافرت کرده و در شهر های تهران مشهد قم

اصفهان رشت به قرائت قرآن پرداخت که مورد استقبال جمع کثیری از علاقه مندان قرار گرفت.

تلاوت های استاد محمود صدیق منشاوی از دیگر اساتید برجسته علم قرائت قرآن در جهان اسلام است که شهرت چشمگیرش را همگان در یافته اند وی دبیر کل سندیکای قاریان قرآن (نقابہ القراء) در مصر می باشد آنچه در مقابل شماسست برگرفته ای است از مصاحبه ایشان با مجله العالم چاپ لندن که شرحی مختصر در مورد شرح حال و زندگینامه استاد می باشد

در قریه ارمنت از استان قنا واقع در کشور مصر در میان خانواده ای که همگی حافظ و قاری قرآن کریم بودند پا به عرصه وجود نهادند گذارد . در پدرش او را به مدرسه ابتدایی فرستاد اما استماع صوت زیبای استاد 1950 سال عبدالباسط از رادیو چنان وی را مجذوب ساخت که او نیز جز در این طریق گام نگذارد . او یکی از علاقه مندان استاد فقید شیخ عبدالباسط می باشد که در سفرهای متعددی ایشان را همراهی کرده است و خاطرات زیادی نیز از این سفرها به یادگار برده است . ایشان از جمله اساتیدی هستند که به قرائت های مختلف آشنایی داشته و در زمینه موسیقی قرآن و مقامات و نغمه های قرآنی نیز . استادی والامقام هستند

در حال حاضر در سمت دبیر کل سندیکای قرائت و حفظ قرآن کریم مشغول تاسیس شده است و از 1983 فعالیت هستند . این سندیکا نقابه در سال

مهمترین اهداف آن گرد هم آوردن تمامی حاملان و حافظان قرآن در جهان می باشد چرا که باید به همگان این مطلب اثبات شود که قرآن کریم حبل مستحکم الهی است که مسلمین را به هم می پیوندد . از دیگر اهداف این سندیکا اهتمام ورزیدن به حفظ قرآن کریم است تا عاملی باشد بر آن که مسلمانان نوجوان قرآن را با اسلوب صحیح خوانده و حفظ کنند . در ضمن هیچ محدودیتی در الحاق افراد به این سندیکا وجود ندارد و جوانان مسمان از هر ملیتی که باشند می توانند به عضویت آن در آیند . این حقیقت موهبتی است الهی که در قلوب مسلمین جای گرفته و آن را بزرگ و عزیز گردانیده است و این همه از دولت . قرآن است و بس .

استاد می گوید : « در گذشته بسیاری از جوانان بودند که شاید بسیاری از امور را انجام می دادند در حالی که نماز را برپای می داشتند . زمانی که از آنان خواسته می شد تا فاتحه ای بخوانند می گفتند : قادر نیستیم . اما در سال های اخیر اهتمام به حفظ و قرائت قرآن کریم در میان جوانان مسلمان باعث شده که آنان حفظ قرآن را آغاز کرده و برانجام فریضه نماز اصرار بورزند و اینها همه مرهون . « فعالیت های این سندیکا است

به عنوان یکی از اساتید برجسته این فن چون سایر اساتید همواره به قاریان قرآن سفارش می کند که از تقلید پرهیزند . چرا که بر ارزش و اعتبار مقلد قرآن افزوده می شود . گویی که وجود مقلد ضروری نیست پس قاری قرآن

. موظف است که سبکی ممتاز از دیگران برگزیند

زمانی که از او پیرامون ضوابط تلاوت قرآن سؤال شد وی این چنین عنوان کرد :

« یک قاری قرآن باید ظرفیت استماع شنوندگان را بسنجد چرا که این ظرفیت در همه جا همگون نیست . گاهی اوقات شرایط محیطی یا انسانی به گونه ایست که اگر قاری مدت دو ساعت به تلاوت قرآن پردازد شنوندگان را هیچ گونه ملالی نخواهد بود . حال آنکه زمانی ممکن است نصف ساعت نیز باعث خستگی مستمعین گردد . از این جهت یک قاری خبره هرگز نباید شنوندگان را با تلاوت خویش آزرده و ملول سازد . مگر آنکه مستمعین خود خواهان ادامه تلاوت شوند . همچنین یک قاری قرآن باید به معانی قرآن کریم آگاه باشد . چرا که کلام خدا را معانی بس وسیع است از این رو باید به معانی مختلف مسلط بوده و چنان تلاوت کند که آیات را در اذهان مستمعین مسموع سازد . او باید از اسلوبی صحیح و دقیق در بهم پیوستن معانی بهره گیرد . درست به همان گونه که خداوند متعال سخن گفته است . به این عنوان که برای آیات وعید از طریقی استاده کند که رسالت انذار و وعید را به انجام رساند و در آیاتی که بشارت به مؤمنینی که مطیع خدا و رسولند سخن گفته می شود ، از نغماتی استفاده شود که مبین این مضامین باشند . برای مثال بشارت جنت در جنات تجری من تحت الانهار را به همان گونه تلاوت کند که این معنا را مفهوم سازد . یک قاری قرآن باید همواره حق حروف را به جا آورده و آن ها را ادا کند و هرگز نباید در موسیقی قرآن به

. « گونه ای پی رود هبه اصطلاح معانی و مضامین قربانی موسیقی گردد

استاد عقیده دارند که اگر قاریان قرآن اجرتی در مسیر تلاوت دریافت می کنند

– چون اکثراً شغلی جز تلاوت ندارند – در واقع اجرتی است برای گذران

زندگی شان . در نظر ایشان هیچ اجر و مزدی مادی نمی تواند برابری با آیات و

کلمات قرآن داشته باشد چرا که ارزش قرآن بیش از آن است که به وصف

درآید . بنابر این گرفتن اجر و پاداش به منزله آن نیست که قاریان کلام الهی

. برای آیات قیمتی تعیین کرده و به میزان آن وجهی دریافت کنند

در اینجا استاد با توجه به این گفته حضرت رسول (ص) : « بهترین چیزی که

دریافت می کنید آن اجری است که در قبال قرآن کریم دریافت می کنید » . و

نیز « بهترین شما کسی است که قرآن را فرا گرفته و به دیگران علیم دهد »

عنوان می دارد که : « هیچ کوششی بالاتر از سعی و معاهدت در طریق آموزش

قرآن نیست و معلم قرآن نیز باید از این مسیر اجری دریافت دارد اجری که به

خاطر برابری با آیات و حروف قرآن نیست چراکه عظمت این کتاب مقدس فراتر

از آن است که بتواند بر آن بهایی مقرر داشت بلکه برای گذران زندگی آن دسته از

قاریان قرآنی است که ممکن است مدتی طولانی خانوادهء خویش را ترک گفته

» و به کشوری دیگر برای تلاوت قرآن و تبلیغ این کتاب مقدس سفر کند

به همراه چند تن دیگر از اساتید بزرگ علم قرائت 1370 استاد رزیقی در سال

قرآن بنا به دعوت جمهوری اسلامی ایران به کشورمان سفر کردند . ایشان در

مراسم سالگرد رحلت امام عزیمان در اماکن زیادی از جمله مرقد مطهر قائد بزرگ اسلام به تلاوت قرآن پرداختند و در آن ایام غم و اندوه و ماتم روح و جانمان را با استماع آیات الهی مقدس پروردگار ، تسکین بخشیدند . در رابطه با کتاب آیات شیطانی فتوای امام خمینی را مورد تقدیر قرار داده و از این عشق و ارادت امام راحل به حضرت رسول و خاندان پاکش در شگفت بودند . وی در این رابطه می گوید : « من خود این کتاب را نخوانده ام اما از بسیاری شنیده ام که سلمان رشدی مرتد در کتابش به ساحت مقدس حضرت رسول (ص) اهانت کرده است . زمانی که امام خمینی (ره) آن فتوای تاریخی و معروف خود را در مورد سلمان رشدی صادر کرد من بسیار خوشحال و مسرور شدم چه فردی که با رسول خدا دشمنی بورزد با اسلام و خداوند متعال دشمنی کرده است . به نظر من نباید به هیچ وجه به او توجهی کرد چرا که او با کتابش استحقاق آن را ندارد که مورد توجه و التفات قرار بگیرد . حقیقتا این همه علاقه امام راحل (ره) به رسول خدا و خاندان مطهرش شایان توجه و قدردانی است .

از سفارشات و توصیه های مؤکد استاد به قاریان قرآن این است که در آموختن زبان عربی حظی وافر به کار برند . چرا که دانستن این زبان عاملی است در فهم و درک معنی و مفاهیم این کتاب انسان ساز . کسی که آشنا به معانی و مفاهیم قرآن باشد چه بسا قرآن را بسیار بهتر تلاوت خواهد کرد از این رو چنین فردی . در تجسیم معانی و مضامین آیات الهی در اذهان مستمعین موفق خواهد بود .

تلاوت های این قاری برجسته قرآن کریم در ایام خاصی از رادیو قرآن جمهوری اسلامی ایران پخش شده و به این وسیله جوابگوی تقاضای تلاوت های این استاد . خواهد بود . می باشد

زندگینامه استاد محمود خلیل حصری



از جمله قاریانی است که کلام خدا را با خضوع و **استاد محمود خلیل حصری** ، اولین کسی **استاد حصری** .زیبایی خاصی تلاوت می نماید و به قلبها می نشاند بود که فکر قرائت قرآن را توام با صدای خوش در سر پروراند و پس از آن رادیوی مصر، صوت دلنشین قرآنش را از قاهره پخش نمود و البته راهگشای این فکر در استاد، این بیان لطیف و نفیس پیامبر بزرگوار اسلام است که فرمود: «لکل شیء حلیه و حلیه القرآن الصوت الحسن.» یعنی برای هر چیز زینت و زیوری است و زیور قرآن صوت نیکوست

درباره شرح حال زندگی اش می گوید: آغاز زندگی من در **استاد حصری** مرحوم قریه شبرالنعله ، مرکز طنطا بوده است؛ و من در آنجا چشم به جهان گشودم و به مناسبت اینکه حرفه پدرم حصیر بافی بوده، مرا نیز مردم به عنوان حصری نامیدند . آنگاه استاد با مکثی کوتاه به یاد دوران کودکی خویش افتاد و بعد از چند ثانیه چنین ادامه می دهد: پدرم در آن زمان در مغازه ای کوچک به شغل حصیر بافی مشغول بود و من نیز در همان آوان طفولیت در کنار یاد گیری و پرداختن به حفظ قرآن کریم، در بافتن و فروش حصیر به پدرم کمک می کردم و از این بابت نیز همواره شاد و مسرور بودم و بالاخره از ده سالگی موفق به حفظ تمامی قرآن کریم شدم . و بایستی در اینجا به این نکته اشاره کنم که معلم مکتب خانه ام نقش بزرگی در تربیت و یاد گیری ام در آن سنین داشت که از این بابت من همواره تا آخر عمرم مرهون زحمات و توجهات این استاد دلسوز می باشم؛ و البته توجه من به یادگیری و حفظ قرآن کریم برمی گردد و به روایات رسیده از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه واله که در این باره فرموده اند : « حاملان قرآن کسانی هستند که مشمول رحمت خاص خداوند متعال که در نور الهی غوطه ورنند و هر که با آنان دشمنی نماید با خداوند دشمنی نموده است و هر که با خدا دشمنی نماید با حاملان قرآن دشمنی نموده است » تا خداوند متعال می فرماید : « ای حاملان قرآن خود را به رحمت خدا نزدیک نمایید . » بوسیله تجلیل از قرآن تا خدا در محبت خود نسبت به شما بیفزاید .

آنگاه استاد به چگونگی و نحوه آشنایی خود با مرحوم استاد مصطفی اسماعیل و شیخ محمود علی البناء اشاره نموده و در این باره می گوید : من به همراه شیخ مصطفی اسماعیل و شیخ محمود علی البناء در مؤسسه الاحمدی واقع در زادگاهم در نزد استاد ابراهیم سلام اشتغال به تعلیم علوم قرائت و اصول آن نمودم و در میلادی به طول انجامید تنها وسیله رفت و آمد من به 1940 این مدت که تا سال دلیل صعب العبور بودن جاده ها در آن موقع قدمهای من بود که در طول مسیر ، شیرین ترین آیات قرآن را انتخاب نموده و زیر لب زمزمه می کردم . و بالاخره میلادی برای شناسائی بهترین قاری قرآن در 1944 در انتخاباتی که در سال نفر قرائی که در حضور کمیته ای مرکب 200 رادیو مصر برگزار شد، من از بین از مرحوم استاد مصطفی رضا و استاد شیخ الصباء و شیخ القراء آن موقع مصر تشکیل شد ، رتبه اول را احراز نمودم . و این نقطه عطفی بود در تاریخ زندگی ام ، چرا که بعد از این موفق شدم تا آوای دلنشین قرآن کریم را از طریق امواج رادیو در اختیار مشتاقان و شیفتگان کلام حق قرار دهم و این تحولی بود در . زندگانی ام

آنگاه استاد محمود خلیل الحصری ، شرح حال زندگانی خویش را این طور ادامه می دهند : من پس از 5 سال قرائت در رادیو ، به سمت قاری مسجد الاحمدی میلادی به جانشینی 1950 واقع در زادگاهم طنطا تعیین شدم و سپس در سال مرحوم استاد شیخ السیفی قاری مسجد الحسین منصوب گشتم و به

میلادی به سمت مشاور امور قرآن کریم در وزارت اوقاف مصر 1965 سال منصوب شدم و یک سال بعد در جشن دانش به سبب حفظ کل قرآن کریم به روایت حفص و ورش و به سبب دیگر تالیفاتم در زمینه مسائل قرآن کریم به . نشان درجه اول علوم و فنون نائل گشتم

درباره خصوصیات یک قاری قرآن می گوید : کسی که کلام الهی **استاد حصری**

قرآن را تلاوت نماید ، اولاً بایست به احکام قراءات و مکانهای وقف و اصول تجوید و ادای کلمات قرآنی تسلط کامل داشته و بایستی از صدای زیبا و دلنشینی برخوردار باشد که بتواند قرآن کریم را با صوتی خوب و الحانی که در این مقام الهی است ، تلاوت نماید . لذا قاری قرآن بایستی دارای صوتی خوش و قدرت بیان و آشنایی به قواعد و اصول علم تجوید و توانایی حسن ادای حروف را داشته باشد تا بدین ترتیب ، یک آهنگ طبیعی در تلاوت قرآن بوجود آید که بالاتر از هر آهنگی بوده و همراه با کلام خدا باشد ؛ و این ، شنونده را مجذوب و مبهوت کلام خدا می گرداند . و در مورد صدا بایستی به این نکته اشاره نمود که اصوات قاریان قرآن ، انواع و اقسام گوناگونی دارد که برای هر کدام از آنها نیز شیفتگانی وجود دارد بطوری که مثلاً در میان اساتید و قراء معروف جهان ، مرحوم استاد محمد رفعت دارای صدایی خوب ، و مرحوم استاد السیفی ، دارای حسن ادای حروف بودند .

## زندگینامه استاد طه الفشنی

شاید به ندرت بتوان کسی را یافت که ابتهال بسیار زیبایی «حب الحسین» شاهکار ماندگار استاد «طه الفشنی» را نشنیده باشد؛ گزارش زیر شخصیت و ویژگی‌های فنی تلاوت قرآن و ابتهالات این قاری و موشح را بررسی می‌کند. استاد «طه موسی حسن» مشهور به «طه الفشنی» از مبتهلان و قاریان قرآن کریم مصر در سال 1900 میلادی مطابق با 1279 هجری شمسی در شهر «فشن» از توابع استان «بنی سویف» دیده به جهان گشود.

وی اولین مؤذن مسجد امام حسین(ع) در قاهره بود و چنان که آثار به جای مانده از تلاوت‌ها و ابتهالاتش گواهی می‌دهد، وی فردی نابغه و توانا در علم موسیقی بود، همچنین بر فنون و قواعد تلاوت قرآن کریم تسلط و چیرگی کامل داشت.

این استاد تنها یک قاری قرآن نبود، بلکه حیاتش را به عنوان یک منشد و موشح آغاز کرد، در وجود این استاد گرایش‌های دینی و علاقه‌ای وافر به قرآن کریم وجود داشت که او را از مسیر خوانندگی و نوازندگی و انشاد و تواشیح به قرائت کشانید.

طه الفشنی مبانی قرائت و حفظ قرآن کریم را در زادگاه خود آموخت و بدین‌سان مدرک دوره ابتدایی را در سال 1916 میلادی مطابق با 1295 هجری شمسی دریافت کرد و پس از آن کل قرآن کریم را حفظ کرده و به مدرسه معلمان پیوست، وی همچنین موفق شد در سال 1919 میلادی مطابق

با 1298 هجری شمسی به دانشگاه الازهر در قاهره پیوندد.

این استاد بسیاری از نغمات را به قرائت قرآن کریم با حفظ احکام تلاوت داخل کرد، او معتقد بود که یک قاری نمی‌تواند قاری باشد تا زمانی که موسیقی را در وهله اول آموخته باشد و اگر جز این باشد چگونه خواهد توانست مردم را از استماع قرائتش به شادی و نشاط درآورد که البته این نظر، نظری شخصی است کما این که بعضی دیگر از قاریان این نظر را رد کرده‌اند.

استاد طه الفشنی نیز پس از این اقدام رادیو با همیاری استاد «عبدالباسط محمد عبدالصمد» و «عبدالقادر حاتم» وزیر فرهنگ و ارشاد آن زمان مصر به اعتراض برخاست و رادیو نیز به خصوص پس از وساطت استاد «مصطفی اسماعیل» سعی در راضی کردن وی برآمد.

### ورود به رادیو

طه الفشنی در محضر استاد «سید درویش» که حافظ قرآن بوده و به انشاد دینی اشتغال داشت نغمات قرآنی را آموخت، در آن زمان «سعید لطفی» مدیر وقت رادیوی مصر تلاوت زیبایش را در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان در مسجد امام حسین(ع) قاهره شنید و از او دعوت کرد که به رادیو بیاید و از این طریق برای مردم به اجرای برنامه پردازد.

وی همچنین در محضر استاد «علی محمود» شاگردی کرده و از او علم انشاد و مدایح نبوی را آموخت، وی همچنین به گروه تواشیح استاد علی محمود پیوست و پس از آن نیز در گروه تواشیح استاد «ابراهیم فران»، صاحب موشحات مشهور

به اجرای برنامه پرداخت و پس از اندک زمانی فنونی مستقل بنا نهاده دارای گروه و اسلوبی مختص خود شد.

«طه الفشنی»؛ طلایه دار فنون انشاد دینی و تواشیح

استاد طه الفشنی در رهبری فن تواشیح و سایر فنون انشاد دینی نقشی بسزا و عظیم داشت، چرا که همواره در راستای دیدارش با مندشان بزرگ آن زمان، آنان را به استمرار این طریق و کشف استعدادها و هدایت آنها دعوت می کرد و این امر پس از رحلت پایه داران مکتب انشاد و تواشیح تأثیری بسزا در استمرار این مکتب به جا گزارد.

«طه الفشنی»؛ مبتهلی آشنابه فنون تلاوت

طه الفشنی مبانی قرائت و حفظ قرآن کریم را در زادگاه خود آموخت و بدین سان مدرک دوره ابتدایی را در سال 1916 میلادی مطابق با 1295 هجری شمسی دریافت کرد و پس از آن کل قرآن کریم را حفظ کرده و به مدرسه معلمان پیوست

وی توانست جایگاه عظیم خویش را در دهه 40 در میان قراء بلندمرتبه به خوبی تثبیت کند، تا آن جا که در قصرهای «عابدین» و «رأس التین» در حضور «ملک فاروق» پادشاه وقت مصر، به همراه استاد «مصطفی اسماعیل» به تلاوت قرآن پردازد.

در سال 1963 میلادی و آن زمان که شبکه تلویزیونی در مصر افتتاح شد استاد طه الفشنی از اولین کسانی بود در آن به تلاوت قرآن پرداخت و با صدای زیبا

و ملکوتی خود عاشقان و تشنگان معارف ناب قرآنی را سیراب کرد. استاد طه الفشنی چنان اقتدار و تسلطی بر اصول تلاوت قرآن پیدا کرد که به سرعت توانست به واسطه صوت زیبا و حلاوت تلاوتش، همچنین رعایت تمامی قواعد و اصول قرائت قرآن کریم، مقامی عظیم را از آن خود سازد. طه الفشنی در ادامه فعالیت‌های خود ریاست مجمع قراء قرآن کریم را به عنوان یکی از مشهورترین قاریان قرآن کریم چه از حیث تجوید و چه از حیث صوت و لحن عهده‌دار شد و این زمانی بود که وی یکی از قوی‌ترین ارکان عرصه تواشیح و مدائح نبوی به شمار می‌آمد. وی به کشورهای زیادی برای تلاوت قرآن کریم مسافرت کرد و در واقع یکی از بهترین سفیران برای قرآن کریم بود، وی همچنین نشان‌های لیاقت و درجه‌های ممتاز کشورهای که به آن‌ها مسافرت می‌کرد و در آن‌جا به تلاوت قرآن می‌پرداخت از دست رؤسای جمهور و وزیران آن کشورها دریافت می‌کرد. این استاد فن تلاوت قرآن کریم پس از برجا گذاشتن آثار ماندگاری در عرصه ابتهال مانند «حب الحسین» و «میلاد طه» سرانجام در سال 1971 میلادی مطابق با 1350 هجری شمسی در سن 71 سالگی بر اثر بیماری درگذشت؛ روحش شاد و یادش گرامی باد.

### تحلیلی کوتاه درباره تلاوت‌های استاد طه الفشنی

شاید اگر کسی قبل از این که تلاوت‌های قرآن استاد طه الفشنی را بشنود، ابتهال‌های بسیار زیبایی این استاد را استماع کند بگوید که وی در عرصه تلاوت

قرآن کریم نتوانسته است آن‌چه را که باید باشد به منصفه ظهور برساند و اجرا کند.

اما در حقیقت باید گفت که زیبایی، پختگی و فنی بودن تلاوت‌های استاد طه الفشنی اگر از ابتهالات وی بیشتر نباید کمتر نیز نیست به طوری که اگر کسی تلاوت سوره‌های «کهف» و «مریم» این استاد را شنیده باشد به طور قطع بر این نظر صحه خواهد گذاشت.

این استاد تنها یک قاری قرآن نبود، بلکه حیاتش را به عنوان یک منشد و موشح آغاز کرد، در وجود این استاد گرایش‌های دینی و علاقه‌ای وافر به قرآن کریم وجود داشت که او را از مسیر خوانندگی و نوازندگی و انشاد و تواشیح به قرائت کشانید.

### طه الفشنی؛ رئیس مجمع قراء مصر

طه الفشنی در ادامه فعالیت‌های خود ریاست مجمع قراء قرآن کریم را به عنوان یکی از مشهورترین قاریان قرآن کریم چه از حیث تجوید و چه از حیث صوت و لحن عهده‌دار شد و این زمانی بود که وی یکی از قوی‌ترین ارکان عرصه تواشیح و مدائح نبوی به شمار می‌آمد

صدای استاد طه الفشنی از زیبایی خاصی برخوردار است که تأثیرگذاری تلاوت وی را در مخاطب دوچندان می‌کند، این استاد به طور معمول علاقه‌مند است که بیشتر در پرده صوتی خاص خود به تلاوت قرآن بپردازد و این امر نیز باعث می‌شود که وی بتواند فرازهای بلند از آیات را با یک نفس بخواند.

طه الفشنی در تلاوت قرآن کریم یک و نیم اکتاو صوتی را به صورت کامل اجرا می‌کند و صدایش نیز از زنگ و طنین بسیار خوب و البته از مساحت صوتی به نسبت متوسطی برخوردار است.

### سخن آخر

هرچند که هر وقت نامی از طه الفشنی برده شود همه به یاد ابتهال بسیار زیبای «حب الحسین» او می‌افتند و در حقیقت در میان جامعه قرآنی وی بیشتر یک مبتهل است تا یک قاری صاحب سبک، اما باید گفت که تلاوت وی نیز نکاتی وجود دارد که در تلاوت دیگر قاریان شاهد نیستیم.

طه الفشنی در بسیاری از تحریرهای خود در پایان یک فراز از آیه، از تحریرهای بسیار نرم و فنی استفاده می‌کند و اگر بخواهیم لحن وی در تلاوت قرآن را نیز بررسی کنیم، از برخی ترکیب‌های لحنی ناب و مختص به خود در تلاوت قرآن استفاده می‌کند.

## زندگینامه شیخ محمد محمود طبلاوی



### ولادت:

استاد محمد محمود طبلاوی نائب نقیب القراء و قاری مسجد جامع ازهر در روز 14 نوامبر 1934م در روستای میت عقبه مرکز امبابه الجیزه در روزگاری که آنجا روستای کوچکی بود به دنیا آمد ، آنچه میت عقبه بیش از هر چیز در آن زمان به آن اهتمام می ورزید انتشار و حفظ قرآن کریم بود ، پدر او حاج محمود او را به آموزشگاه روستا برد تا از حافظان قرآن شود زیرا که محمد تنها پسر او بود او در حالی که در دوستی قرآن و حفظ آن غرق شده بود در سن چهار سالگی راه آموزشگاه را یاد گرفت و در سن ده سالگی حفظ و تجوید آن را به پایان برد .

برای این جوان علاقه مند به کتاب خدا که به چیز دیگری به جای آن راضی نمی شد آغاز سخت و دشواری وجود داشت ، استاد طبلاوی از خاطرات فراموش ناشدنی خود می گوید: (( ... پدرم با تضرع و زاری به سوی آسمان روی کرده و پیوسته دعا می کرد که خداوند به او فرزندی عطا کند تا او را وقف کتاب آسمانی

قرآن کریم نماید و از اهل قرآن و رجال دینی شود ، خداوند هم دعوت او را بی استجابت رها نکرد و او را صاحب تنها فرزندش (محمد) ساخت. پدرم با تولد من بسیار مسرور شد سروری که در طول عمرش مثل آن را تجربه نکرده بود ، خوشحالی پدرم تنها به خاطر این نبود که دارای فرزندی شده است بلکه به این جهت که فرزندی از جرگه حافظان قرآن کریم را صاحب گشته است ، چرا که پدرم به این موضوع یقین داشت که قرآن تاج پر افتخاری است که هر کس آن را به سر بگذارد بسیار شکوه مند خواهد شد ، و این نعمت بزرگی که خداوند بر من منت نهاده و به من ارزانی داشته مرا و می دارد که روز و شب به درگاه او دعا کنم که این عمل جلیل را از حسنات پدرم قرار دهد و نیز قرآن کریم را به مصداق آیه 28 ازسوره حدید، برای او نوری قرار دهد که روشن گر راه او باشد، این دعا را به این خاطر می‌کنم که [الدال علی الخیر کفاعله] و پدر من هم با اصرار و صبر فراوان و کمک ها و مساعدت های بی شماری که برای من داشت و همه کار می کرد تا من برای حفظ قرآن فراغت لازم را داشته باشم در واقع کار خیری انجام داد .))

این جوان با استعداد در حفظ قرآن کریم به طور کامل همراه با احکام آن حتی لحظه ای هم سستی به خرج نداد و پیوسته با التزام و انتظام شدید به آموزشگاه می رفت و در هر ماه کل قرآن را مرور می کرد .

استاد طبلاوی می‌گوید:

((من به عنوان یک قاری ناشناخته و کوچک شروع کردم همانند هر قاری دیگر که از میان سنگلاخها و امواج زندگی که همچون سیلی بر گونه او نواخته می شود

راه خود را می گیرد و می رود بنابر این در مناسبت های سال و یا مناسبات دیگر تلاوت می کردم، این تلاوتها همه در ابتدای زندگی قرآنی ام یعنی در دوران قبل از بلوغ و سن 15 سالگی بود من به آنچه خداوند روزی ام می فرمود راضی بودم که افزون بر 3 جئیه نمی شد و هنگامی که 5 جئیه نصیبم می شد خیال می کردم به عظمتی بالا دست یافته ام .

استعداد و شروع شهرت :

استاد طبلاوی کسانی را که در نصیحت و ارشاد او کوشیدند فراموش نمی کند و پیوسته آنانی را که وسیله بارور کردن استعدادش در حفظ و تجوید بودند را به نیکی یاد می کند و می گوید:

(( من دائما به دنبال فرصتی هستم تا با خود خلوت کرده و شروع کارم با قرآن کریم و اولین گامهایم در این راه تارسیدن به دروازه هدایت قرآنی را یاد آوری کرده و مرور کنم که من به افراد زیادی مدیون هستم بنابراین برای پدرم، استادم، و هم کلاسی هایم که به من شجاعت می بخشیدند و در حالی که من خردسال بودم به من گوش می کردند و مرا به یاد آوری این نکته وادار می کردند که من قاری با استعدادی هستم، دعا می کنم، به یاد می آورم فرمایش استادم را که می فرمود: (محمد تو نبا استعدادی و صدایت جدا قوی و زیباست) استادمان که به فطرت افراد آگاه بود ما را از هم متمایز می کرد و می فرمود: محمد طبلاوی صدای بمی دارد فلانی صدای کوبنده ای دارد فلانی صدای ... و دائما مرا با توجه به صدایم تشویق می کرد و با اهتمام خاصی که به من داشت از من سرپرستی می کرد دائما به من سر می زد و با دقت در حفظ کردن من نظر

داشت استاد طبلاوی در سن 12 سالگی به مراسم احیاء بزرگان و مسئولان و شخصیت‌های بارز در کنار مشاهیر قاریان رادیو دعوت می‌شد و در بین ایشان جایگاه بالایی پیدا کرده و در جیزه، قاهره، و قلیوبیه شناخته شد و تبدیل به قاری شد که از سوی بسیاری از خانواده‌ها برای مراسم احیاء با توجه به قوت اداء و خلاقیت‌های بالایش و روحیه جوانش که او را برای قرائت پیوسته در یک مدت 2 ساعتی بدون هیچ خستگی و بدون اظهار سختی کمک می‌کرد ترجیح داده می‌شد، مضافاً به اینکه مردم هم برای پیوسته خواندن او اصرار می‌کردند و برای زیاده‌گوش دادن به او ابراز شوق می‌کردند و مواظبت شدید او نسبت به صدایش و مداومت بر نشستن با قاریان برجسته نظیر استاد رفعت، استاد علی محمود، استاد محمد سلامه، استاد صیفی، بهتیمی و مصطفی اسماعیل و غیر ایشان از قاریان پیشتاز رادیو، و گوش دادن به آنها چه مستقیماً و چه از طریق رادیو او را بر این امر یاری می‌داد.

### ملحق شدن به رادیو:

استاد طبلاوی برای ملحق شدن به رادیو بیشترین تلاش را نسبت به قاریان دیگر داشت، و حتی نسبت به صبر و تحملی که او در مراجعه به رادیو برای پیوستن به آن به عنوان یک قاری داشت، مورد رشک بود، او 9 بار برای این کار اقدام کرد اما مشییت الهی ما فوق مشییت بشر است و خداوند در این نه مرتبه به او اجازه نداد اما در مرتبه دهم توانست امتیاز مورد نظر را به دست بیاورد و به رادیو ملحق گردد.

## خارج از مصر:

استاد طبلاوی می گوید :

(( من در ضمن یک گروه دینی از مصر به دعوت شیخ ابو الحسن ندوی به هند رفتم رئیس گروه مرحوم دکتر زکریا بری وزیر اداره اوقاف در آن وقت بود ، و اتفاقا ما به جهت تاخیر در پرواز به مدت نیم ساعت دیر به کنفرانس رسیدیم ، دکتر بری با هوش و درایتی که داشت گفت: تنها کسی که می تواند قبل از ما حرکت کند و جلوتر از ما داخل شود استاد طبلاوی است چرا که او با لباس خاص خود شناخته شده است و در اینجا معروف و مشهور است و در دل مردم جایگاه والایی دارد و چه بسا عمامه و شال در عفو و بزرگواری میزبانان نسبت به تاخیر ما نقش داشت، و درست آنچه دکتر بری انتظار داشت اتفاق افتاد و چیزی که با آن روبرو شدیم آن بود که رئیس کنفرانس با صدای بلند گفت : گروه مصری آمدند و پیشاپیش آنان استاد طبلاوی است و به ما خوش آمد گویی کرد و گفت : باید جلسه را از اول شروع کنیم ،... بعد از پایان جلسه همه حضار اطراف مرا گرفته و بامن عکس های یادگاری می گرفتند .

## دعوت ها و مسافرت ها :

او به بیش از هشتاد کشور عربی و اسلامی و غیر آن سفر کرده است ، از جمله دعوت هایی که او داشته است دعوتی از جانب آقای جان لاتسیس از یونان برای تلاوت قرآن برای اولین بار در تاریخ این کشور و نیز دعوتی که از طرف

مسئولین ایتالیایی از طریق سفارت مصر به شهر روم برای تلاوت در قبال جمع کثیری از مهاجران عرب و مسلمان می‌باشد ، استاد طبلاوی دعوت کاخ پادشاهی اردن را برای احیاء مرثیه ملکه زین الشرف مادر ملک حسین شاه اردن را هم فراموش نمی کند و نتیجه این زندگی قرآنی‌نوارهای بسیاری است که در جلسات خارجی خوانده است که همه آنها در شرکت ابراهیم فین که از آن حاج ابراهیم طبلاوی است موجود است .

زندگینامه استاد محمد محمود رفعت

، ملقب به امیرالقرآء، از ستارگان پر فروغ علم "**محمد رفعت**" مرحوم استاد شیخ .قرائت، از نوابغ کم نظیر تلاوت قرآن کریم در قرن حاضر می باشد  
وی حافظ قرآن مجید، مسلط به انواع قراآت و مبتکر در خلق الحان و اصوات زیبای قرآنی که قرائت و لحنش در دنیای اسلام موجب تحسین و شگفتی اساتید است.

وی در علم قرائت قرآن اُسلوبی منحصر به فرد داشت و به واسطه نبوغ ذاتیش در خلق اصوات و تسلط به تجوید و قدرت ادای حروف و مهارت در وقوف آیات .الهی همواره در بین مشاهیر قراء قرآن ممتاز و بی نظیر بوده است

سال 6 هجری قمری در قاهره متولد شد و بیش از 1300 استاد رفعت در سال

نداشت که به واسطه بیماری شدیدی بینایی خود را از دست داد و برای همیشه از نعمت بینایی محروم شد.

پدرش شیخ محمود رفعت مشوق وی به فراگیری قرآن شد و او را نزد استاد شیخ "حمّاده" جهت فراگیری علوم قرائت و حفظ قرآن مجید روانه ساخت تا این که به واسطه نبوغش در این علم و فن پیشرفت چشمگیری نمود. سالگی به اوج شهرت غیرقابل وصفی رسید تا بدانجا که در 30 استاد رفعت در مسجد قاهره جمعیت زیادی از نقاط مختلف گرد آمده و طنین تلاوت وی را می شنیدند، در نمازهای جمعه و سایر مراسم نیز چنان مردم مشتاق را به صوت ملکوتیش جلب کرده بود که آنان گذشت زمان را حس نکرده و با هیجان، استاد را تشویق می کردند.

یکی از نشریات هم عصر استاد به نام "کل شیء" در یکی از شماره های خود می می رسید، در 9 نویسد: "در روزهای سه شنبه و جمعه هر هفته، وقتی ساعت به محلی که جلسه قرآن برای استاد محمد رفعت تشکیل می شد، انبوهی فوق العاده مسجد را در برمی گرفت، و این در حالی بود که تلاوت استاد در این مسجد به طور مستقیم از رادیو قاهره برای سراسر کشور پخش می گردید و همگان می توانستند از صوت دلنشین استاد که معانی آیات قرآن را نیز در اذهان مستمعین بر جای می گذاشت استفاده نمایند

مشهور است که در اواخر عمر و حیات پرثمر استاد رفعت، رادیوی بریتانیا

تلاوت "سوره هود" این قاری بزرگ را در مدت سه روز در مسجدی که جمع  
کثیری از مردم حضور داشتند ضبط کرده است و این نوار هم اینک از مفاخر  
موزه بریتانیا محسوب می شود.

و نیز مرحوم استاد رفعت قصارالسّور را در 14 روایت قرائت کرده که از طرف  
رادیو ضبط کامل شده است.

از میان شیفتگان صوت استاد رفعت استاد شعیشع است که به شیوه آن مرحوم  
تلاوت می کند و بسیاری از فنون و رموز قرائت را از وی تلفظ کرده است.  
ایشان در مورد استاد رفعت چنین می گوید

در حالی که استادم در قید حیات نیست ولی همانطور که در زمان حیاتش از "  
وی جدا نبودم هم اینک نیز که سالها از رحلتش می گذرد از وی جدا نیستم  
شیخ احمد الرزیقی که از قاریان معروف عصر حاضر است درباره استاد رفعت  
چنین اظهار می دارد

مرحوم شیخ رفعت - رحمه الله - در قرآآت تبحری کامل داشت، در علم وقف "  
و ابتدا مسلط بوده و خداوند در صوت ملکوتی وی نعمتش را به کمال رسانده و  
نیز به او شناخت مقامات الحان قرائت را عطا کرده بود.

چنان که استاد آیه ای را در مورد وعده ها و توصیف بهشت تلاوت می کرد در  
آن آیه نغمه و آهنگی را انتخاب می نمود که شنونده کیفیت بهشت را می  
توانست تجسم نماید.

و یا اگر آیه ای را در مورد عذاب تلاوت می کرد با انتخاب الحان مناسب شدت  
"عذاب و آتش جهنم را به مستمع می فهماند

.خلاصه استاد رفعت شخصیتی برجسته و امام قاریان تا این عصر بوده است  
از مرحوم استاد رفعت آثاری گرانبها در قرائت های مختلف و نیز اذان به یادگار  
مانده است که نام و یادش را جاویدان می سازد. از جمله تلاوت های معروف  
محمد رفعت می توان علاوه بر سوره هود ، به سوره های کهف، رحمن و یوسف  
.نیز اشاره نمود

زندگینامه شیخ عبدالوهاب طنطاوی



.این زندگی نامه به صورت پرسش و پاسخ است

لطفاً مطالبی را در خصوص خودتان و زندگی شخصیتان و این که چه -سوال 1

مدتی است به کار تلاوت و قرائت پرداخته اید بیان بفرمایید؟  
من در ارتباط با زندگی شخصیم باید عرض کنم که متأهل هستم و دارای هفت دختر هستم که خوشبختانه همه آنها در دانشگاه الازهر مشغول 4پسر و 3فرزند، به تحصیل هستند.

آیا فرزندانان از شما بهره قرائت هم برده اند؟ -سوال 2  
بله، درسته آنها بهره می برند ولی این موهبتی است که خدا به هر کس عطا می کند.

لطفاً بفرمایید که چند ساله هستید؟ -سوال 3  
هستم یعنی تاکنون 54 سال دارم 1947من متولد  
شما تلاوت قرآن را به طور جدی از چند سالگی آغاز کردید و همچنین -سوال 4  
به سبک کدام استاد علاقه مند بودید و بیشترین استفاده را از آن بردید؟  
من از همان دوران تحصیل کودکی خودم مشغول به قرائت قرآن بودم ولی به صورت حرفه ای از زمانی که وارد دانشگاه الازهر شدم این کار را ادامه دادم.  
استاد بنده آقای شیخ صلیح محمود بودند که در آن روستایی که من زندگی می کردم تلاوت قرآن و قرائت آن را به من آموختند و الان هم ایشان در قید حیات می باشند.

استاد شما از چهره های جهانی قرائت قرآن در جهان اسلام هستید و به -سوال 5  
کشورهای مختلف و اقصی نقاط عالم برای مأموریت های قرآنی و دعوت های که

از سوی جوامع مختلف قرآنی کشورهای اسلامی و یا حامی مسلمان شده سفر کرده اید از محضر تان خواهشمندم بفرمایید که تاکنون به چه کشورهایی سفر کرده اید و در کجا بیشترین استقبال را از شما داشته اند؟

من به چند کشور اروپایی و آفریقایی سفر کرده ام. از جمله به هند و همچنین به چند کشور در آمریکای شمالی و آمریکای مرکزی مثل ونزوئلا و پاناما نیز سفر کرده ام. من در کشورهای آسیایی از سوریه و لبنان و همچنین در آفریقا از کنیا دیدن کرده ام ولی در ارتباط با استقبال حقیقتاً باید بگویم که استقبالی که در ایران از من شد قابل وصف نیست و من نمی توانم با کلمات این استقبال گرم را بیان کنم.

با توجه به این که شما سفرهای زیادی به کشورهای مختلف داشته اید و **سوال 6**

در مسابقات قرآنی که به عنوان مسابقات بین المللی در کشور ما ویا در کشورهای دیگری چون مالزی، هندوستان، بنگلادش و یا در کشورهای دیگر برگزار می شود و با توجه به این که سابقه قرائت قرآن در مصر بسیار بالا هست و اساتید بسیار معروف جهان اسلام در آن جا رشد کرده اند بفرمایید که آیا این روال مسابقات چه در زمینه قرائت و چه در زمینه حفظ و مفاهیم در مصر هم به همین گونه است و مسابقات به همین صورت برگزار می شود؟

مسابقات در مصر هم مانند مسابقات در این جاست. در آن جا هم مسابقه حفظ هم قرائت و هم تفسیر برگزار می شود. مسابقه مصر هم به اجزایی تقسیم می

...جزء، 20 جزء، 10: شود

سوال 7- لطفاً نظرتان را راجع به قاریان ایرانی بیان کنید و بفرمایید که آن ها را در چه سطحی می بینید؟

من خدا را اینجا گواه می گیرم که با صداقت صحبت کنم و شهادت می دهم که قاریان ایرانی دارای صوت بسیار خوبی هستند

در کشور ما آموزش های قرآنیمان در ابتدا با روخوانی و روانخوانی و -سوال 8

تجوید و قرائت آغاز می شود. ما در اینجا دو نوع آموزش داریم: یک نوع آموزش سنتی داشته ایم که هم اکنون نیز در بعضی مناطق جاری هست و نوع دیگر آموزش نیز که با بالا رفتن تکنولوژی آموزشی و ارتباطات و مسائل مربوط به رایانه صورت می گیرد. نظر شما در رابطه با آموزش قرآن برای اینکه فردی بخواهد قرآن را فرا گیرد و بحث ما نیز محصور به ظاهر قرآنی یعنی صوت و لحن و قرائت و تجوید باشد و توجهی به مسائل مفاهیمی و یا تفسیری نداشته باشیم چیست؟ روشی که خودتان در این رابطه اعمال می کنید و یا این که در مصر جاری و ساری هست چه روشی است؟ در این مورد توضیحاتی بفرمایید قرآن تنها علمی است که از طریق القاء برای انسان حادث می شود و انسان می تواند به آن دست پیدا کند. همچنان که از طرف خداوند متعال به جبرئیل و از جبرئیل به پیامبر مکرم اسلام(ص) نازل شد. آموزش قرآن لزوماً باید همراه با استاد باشد و به این کفایت نمی کند که به صورت شفاهی و تنها همراه با نوار

استفاده و از این قبیل موارد به آموزش قرآن دست پیدا کنیم. حتماً باید استادی باشد که در حضورش قرائت شود و خطاهای قاری توسط استاد گرفته شود و یکی از شاخصه های آموزش وجود استاد برای آموزش قرآن است. علاوه بر این در خود الازهر نیز بخش هایی برای آموزش قرآن و احکام آن وجود دارد. در مصر نیز آموزشگاههای خاصی وجود دارند که به تعلیم قرآن می پردازند. شما از تلاوت کدام یک از اساتید پیشکسوت مصری بیشتر لذت می -سوال 9  
برید؟

در ابتدا باید عرض کنم که ذوق و سلیقه ها متفاوت است ولی بنده شخصاً از اسلوب و شیوه مرحوم مصطفی اسماعیل و همچنین استاد مرحوم محمد صدیق منشاهی و استاد کامل یوسف استفاده می کنم.

از شما خواهشمندیم توصیه ای را به علاقه مندان به تلاوت و قرائت -سوال 10  
قرآن کریم بفرمایید؟

من می خواهم توصیه ای را برای اینکه قاریان ایرانی در آینده همتراز با قاریان مصری داشته باشند عرض کنم. قاریان محترم در ابتدا باید با جایگاههای موسیقایی فن قرائت قرآن آشنا شوند تا بتوانند آن احساس معانی قرآن را به شنونده منتقل کنند. در قرآن آیاتی داریم که یا وعده هستند و یا وعید. بخشی از آنها وعده به بهشت داده اند و برخی دیگر وعده به جهنم. یک قاری خوب باید بتواند با آن لحن موسیقایی مناسب آنها را به شنونده منتقل کند.

هم اکنون در کشور جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه ها و مدارس -سوال 11

ما، در صدا و سیمای ما و حتی در مساجد و بعضی از منازل افراد کانون قرآن برپا شده است و کارهای قرآنی در آن مکان ها صورت می گیرد. با توجه به حضور شما در محافل و مجالس جهانی و بین المللی و همچنین در کشور مصر، حرکت های فرهنگی جمعی کشور ما را چگونه ارزیابی می کنید و این برنامه ها چه انعکاسی در خارج از کشور ما دارد؟

اینها همه جزء کارهای خیری هستند که بر هر مسلمانی واجب است که آنها را دنبال کند و انجام دهد. هنگامی که من رادیو و تلویزیون را نگاه می کنم و حتی در دانشگاه رفت و آمد می کنم می بینم که محافل قرآنی برگزار است و آموزش های قرآنی به مردم داده می شود.

استاد شما با قاریان بزرگی همچون خودتان سفرهایی داشته اید. از -سوال 12

شما خواهشمندیم یکی از خاطرات شیرینی که در این سفرها برای شما اتفاق افتاده است را بیان بفرمایید؟

من خاطراتی که قابل بیان و مقایسه باشد با آنچه را که در ایران مشاهده نمودم نمی توانم بیان کنم. از خاطرات شخصیم می توانم به این مورد اشاره کنم که بنده در دوره آخر زندگی استاد مصطفی اسماعیل و استاد شعبان عبدالعزیز صیاد با آن دو بزرگوار همدوره بوده ام. آن دو بزرگوار در قاهره زندگی می کردند و منزل من در مرکز المنشوره در مصر بود. من با استاد شعبان صیاد، استاد غلوش

و استاد نعینع و غیره قرائت کرده ام و با آنها همسفر بوده ام.

آقای طنطاوی با توجه به نسلی از قاریان گذشته مصر و اساتید خوبی -سوال 13

مثل استاد عبدالفتاح شمشایی، استاد محمد رفعت، استاد محمد صدیق منشاوی و

استاد مصطفی اسماعیل و یا قاریان دیگر و با توجه به نسل قاریانی که امروز در

مصر زندگی می کنند مثل جنابعالی و یا استاد نعینع و غیره که قاریان و حافظان

ما آنها را می شناسند و همه به نوعی از آنها تقلید می کنند بفرمایید که آیا در

آینده نیز این روال ادامه پیدا خواهد کرد و کشور مصر به سوی مقصدی روشن

در حرکت است و یا این که به نظر خودشان این کمیت و کیفیت خیلی خوب

نیست؟

قاریان بزرگ مصری مانند قله هایی بودند که تعدادشان هم بسیار کم است و

شاید تعدادشان به اندازه انگشتان یک دست هم نرسد. ما همیشه به عنوان مقلد

از یک استاد بزرگ تقلید می کردیم اما حقیقتش این است که هم اکنون صداها

بسیار به هم نزدیک و شبیه تر شده است. بایستی یک قاری یک راهی یا یک

سبکی را برای خودش ابداع کند که در این شلوغی بتواند خودش را نشان دهد و

استقلال داشته باشد. قاریان جدید در مرحله اول باید اصوات مختلف از قرائت

های مختلف و از قاریان مختلف را بشنود. هر قاری باید همه آن ها را بشناسد و

با صوت های آنها آشنا باشد. مانند هر میوه ای که یک طعم مخصوص خود دارد

هر صوت هم حلاوت و زیبایی خاص خود را داراست. یک قاری باید همه اصوات

را بشناسد و از میان آنها طریقه واحدی را برای سبک جدید خود انتخاب کند.

در صورت امکان از میان شاگردانتان بهترین شاگرد را معرفی -سوال 14

بفرمایید و نکته دیگر این که ما همیشه شما را مشاهده کرده ایم که هنگام تلاوت هر چند قرآن باز باشد ولی باز شما قرآن را از حفظ خوانده اید لذا و شما یک حافظ بسیار خوب هستید. چه توصیه ای دارید برای کسانی که قاری هستند ولی حافظ نیستند یا حافظ هستند ولی قاری نیستند؟

بنده هنوز به آن درجه ای نرسیده ام که شاگردی داشته باشم و هنوز خودم شاگرد اساتید دیگر هستم. هر شخصی که قرآن تلاوت می کند دلیلی ندارد که حتماً صوت زیبایی داشته باشد. اگر کسی قرآن می خواند اولاً باید حافظ قرآن باشد و ثانیاً به احکام تجوید و صوت و لحن آگاهی داشته باشد. در ضمن اگر شخصی احساس می کند که صوت زیبایی دارد آن را با حفظ کردن قرآن تکمیل کند.

ما در سطح کشورمان و در سطح شهرها و روستاها جلسه های قرآنی -سوال 15

داریم که در آن یک استاد با سابقه قرآن آموزان را آموزش می دهد. لطفاً آقای طنطاوی بفرمایید که آیا در مصر نیز اساتید قرآن و یا کسانی که هنوز به درجه استادی نرسیده اند جلسات منظم قرآنی دارند؟

همین جلسات در مصر هم وجود دارد. قرآن در مصر مانند آب و هواست و دقیقاً در مصر هم همین مراسمی که در اینجا برگزار می شود وجود دارد. در

مراسمهای مختلف دینی و غیر دینی قرآن تلاوت می شود. در مراسمات ختم نیز قاری معروفی دعوت می شود و به تلاوت قرآن می پردازد و مردم را موعظه می کند و آنها را از روز قیامت و روز جزا متنبه و آگاه می سازد. ما در مصر سنتی داریم که در هر روز جمعه یک قاری مصری در هر مسجدی حاضر می شود و قبل از این که نماز جمعه شروع شود به تلاوت قرآن می پردازد.

زندگینامه استاد محمد صدیق منشاوی



زمانی که زندگی قاریان مشهور جهان را مرور می کنیم ، نامی آشنا دیدگان را به خویشتن خیره می سازد . نامی که رسالت قاریان قرآن را در خاطره ها جاودانه می سازد . شهید القراء نامی است که بی شک هر عاشق قرآنی را بر آن گذر افتاده است . نامی که عاشقان قرآن بارها و بارها بر آن درنگ کرده و از

خویشتن پرسیده اند که : محمد صدیق از چه رو بدین نام ملقب گردیده است ؟  
مردی که تلاوتهای زیبایش پس از گذر سال ها ، هنوز زینت بخش محافل و  
مجالس است . مردی که مقلدان بیشمار از خویش بر جای گذاشته است  
اگر بخواهیم محمد صدیق را بهتر بشناسیم ، شاید بهتر آن باشد که در تذکره  
عرفا و صوفیان عصر به جست و جوی او پردازیم ؛ چرا که محمد صدیق پیش از  
آنکه یک قاری باشد ، یک صوفی است . صوفی که خرقة زهد بر تن کرده و  
رایحه معرفت و زهد از جای جای تلاوتهایش برمی خیزد . آری ، او صوفی است  
که جان و زندگی خویش را وقف کلام پروردگار کرده است ، تا بدانجا که لحظه  
ای مفارقت از کلام دوست بر او چنان گران آمد که نتوانست پذیرای آن گردد و  
عاقبت جان خویش را در این مسیر قربانی ساخت . او را شهید القراء نامیده اند ،  
چه آن زمان که طیبیان معالجش وی را از تلاوت کتاب خدا بر حذر داشتند ، وی  
نپذیرفت . چه ، زندگی جدای از مکتب و کلام دوست نه تنها برای او بلکه بر  
تمامی کسانی که در این مسیر گام گذارده اند ، بسی سخت و دشوار است  
استاد محمد صدیق منشاوی در سال 1299 ه.ش. یعنی حدود 73 سال پیش ، در  
شهر منشاہ مصر در خانواده ای بسیار مذهبی پا به عرصه ی وجود گذارد .  
پدرش شیخ صدیق منشاوی یکی از قاریان صوفی منش بود که هرگز در مسیر  
تلاوتش اجر و پاداشی طلب نکرد . از این رو فرزندش محمد را نیز با چنین  
علایقی پرورش داد تا جایی که تلاوت را تنها به جهت آنکه متعلق به این کتاب

مقدس است برگزید . شیخ صدیق منشاوی را فردی در کمال خشوع و خضوع می خوانند گویند او چنان تقوی پیشه بود که هرگز در هیچ تلاوتی بر اجر و پاداش آن سخنی نگفت . تنها در محل حاضر می شد ، آنگاه با وقاری سرشار از خشیت الهی باز می گشت و این شیوه ای بود که در میان فرزندانیش نیز نیک .» مشهود است

محمد صدیق از آنجا که در شهر منشاوه تولد یافت چون پدرش به منشاوی ملقب گردید . با تشویق و تعلیم پدر به آموزش معارف قرآنی و تعلیم قرائت های مختلف پرداخت ، چرا که پدرش نیز از قاریان مشهور عصر خود به شمار می آمد . مرحوم استاد منشاوی از همان ابتدا به حفظ کامل قرآن پرداخته و از 9 سالگی به بعد در ماه مبارک رمضان شبهای قرائت قرآن برگزار می نمود . این امر تا سنین جوانی استاد ادامه داشت . این در حالی بود که پس از چندی با ورودش به رادیوی عربی مصر و پخش تلاوتهایش ، به شهرت او افزوده شد تا آنکه به عنوان یکی از اساتید و قاریان مشهور مصر معرفی شد

او قاری بزرگی است که در میان متأخران بی نظیر و در میان متقدمین کم نظیر بوده است . او از مفاخر بزرگ جهان اسلام و مبتکر الحان گوناگون قرآنی به شمار می آید . سبک تلاوت ، صوت زیبا ، لحن گرم و حزین ، تلفظ صحیح و بیان قوی کلمات از مختصات قرائت مرحوم منشاوی به شمار می آید که با چیرگی و مهارت کامل و تسلطی فوق العاده شنونده را به آیات الهی متوجه می سازد . او

چنان تسلّی به قرائات سبعة و عشرة و راویان قاری دارد که وی را به عنوان یکی از بهترین اساتید این فن در جهان اسلام مطرح نموده است ، تا آنجا که شهرتش را در جای جای جهان اسلام اذعان می دارند .

مرحوم محمد صدیق منشاوی با تسلّی کامل و سبکی خاص تمامی قرآن مجید را با قرائت ترتیل تلاوت کرده است و اکنون گنجینه ای از نوارهای تحقیق و ترتیل این استاد در آرشیو رادیو قرآن موجود می باشد . تلاوت های این استاد همه . هفته از رادیو قرآن جمهوری اسلامی ایران پخش می گردد

استاد به واسطه زندگی کوتاهش به کشورهای محدودی مسافرت کرده است . از آن جمله به سوریه ، کویت و برخی از کشورهای شیخ نشین حاشیه خلیج فارس می توان اشاره کرد که در مساجد مختلف این کشورها به تلاوت قرآن کریم . پرداخته است

سرانجام دست اجل از آستین تقدیر برون آمده ، این بار نیز گلی از بوستان معطر قرآن را گلچین نمود و استاد منشاوی در سن 49 سالگی در سال 1348 ه.ش. در شهر قاهره جان به جان آفرین تسلیم کرد و بدین طریق گرد غم و اندوه را در بر جبین عاشقان کلام دوست نشانید ، هرچند که امروز پس از گذشت سال ها آوای ملکوتی او زینت بخش محافل و مجالس قرآنی و پرورش . دهنده استعدادهای نهفته در این مسیر است

حاج سعودی محمد صدیق... در سال 1953 مجله ی رادیو و تلویزیون، در \*

یکی از شماره هایش از شیخ محمد صدیق المنشاوی نوشت که او اولین قاری ای بود که رادیو برای ضبط تلاوتش، تجهیزات فنی خود را به مکان تلاوت او منتقل کرد... چه طور چنین اتفاقی افتاد؟ و چرا رادیو چنین کاری کرد؟

شهرت و زیبایی تلاوت او، زبانزد مردم مصر بود و زمانی که مسؤولان رادیو، از آن آگاه شدند، خواستند که به رادیو بیايد تا از او امتحانی گرفته شود و در صورت قبولی، به عنوان قاری رادیو به فعالیت پردازد. ولی شیخ، این دعوت را نپذیرفت و گفت: نمی‌خواهم در رادیو قرائت کنم چرا که به شهرت آن احتیاجی ندارم و هرگز نمی‌پذیرم که از من امتحان بگیرند... این طور شد که برای مدیر رادیو چاره ای نماند جز آن که تجهیزات رادیو را به محل تلاوت ایشان منتقل کند. و در عمل، در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان، زمانی که ایشان در روستایی از روستاهای مصر، برای خانواده ای داغدار در حال تلاوت بود، گروهی از رادیو برای ضبط تلاوت شیخ به آن محل رفتند و در همان زمان، گروهی دیگر برای ضبط تلاوت پدر ایشان، شیخ الصدیق المنشاوی، به روستای العسیرات در استان سوهاج در خانه حاج احمد ابورحاب رفته بودند. و این برای اولین بار در تاریخ رادیو بود که رادیو، تجهیزات، کارکنان و مهندسان خود را برای ضبط تلاوت یکی از مقریان به جایی بفرستد. این اتفاق را یکی از مجلات نیز، در صفحات خود درج نمود.

زمانی که مسؤولان رادیو این دو تلاوت را از آن‌ها ضبط کردند، دوباره از شیخ \*

محمد صدیق و پدرش خواستند که برای تلاوت به رادیو بیایند، ولی باز هم آنها

نپذیرفتند.... چه شد که بالأخره شیخ محمد صدیق المنشاوی دعوت رادیو را

پذیرفت و چرا پدرش بر موضع خود پافشاری کرد؟

این موضع سبب خشم مسؤولان رادیو شد و نزدیک بود که مشکل بزرگی روی

دهد تا آن که یکی از نزدیکان شیخ محمد صدیق، عبدالفتاح الباشا، که ژنرالی

بلندمرتبه بود در این مورد دخالت کرد و صراحتاً به شیخ محمد گفت که

نپذیرفتن دعوت رادیو، پسندیده نیست و این امتحان تنها از او گرفته نشده

است و این درحالی است که بعد از آن که او دعوتشان را رد کرده است، رادیو

مهندسان و کارشناسان خود را برای ضبط تلاوتش به سوی او فرستاده است. و

در برابر این کار مسؤولان رادیو، نپذیرفتن دعوت آنان پسندیده نیست. و در

برابر این رفتار خوب، متقابلاً چاره ای جز رفتار خوب نیست. و بعد از اصرارهای

شدید، شیخ محمد صدیق المنشاوی به رادیو رفت و تلاوتهایش را تکمیل کرد و

تا زمانی که خدا جان او را گرفت، قاری رادیو بود، ولی پدرش گفت: برای

رادیوی مصر، از خاندان المنشاوی، پسر محمد کافی است

پس چرا برای رادیو لندن و رادیو سوریه، تلاوت کرد؟ \*

اینها با ضبط بودند. [من حدس می زنم یعنی آمده اند تلاوت ایشان را ضبط

کرده اند نه این که ایشان به آن رادیوها بروند.] و با آن که او هرگز برای رادیو

مصر قرائت نکرد، شهرت شیخ صدیق السید، آفاق جهان عرب را فراگرفته بود.

رادیوهای سوریه و لندن از او خواستند که برای آن‌ها نوارهایی تلاوت کند. ایشان در ابتدا نپذیرفت ولیکن بعد از ملاقات‌های فراوان و اصرار شدید، با ضبط 5 نوار برای آن دو رادیو موافقت کرد و بر این میزان چیزی نیفزود و همواره می‌گفت: اگر اصرار پیوسته‌ی آن‌ها نبود، با آن تلاوت‌ها موافقت نمی‌کردم. شیخ محمد صدیق المنشاوی چگونه با این تصمیم پدرش (مبنی بر قرائت \* نکردن برای رادیو مصر) برخورد کرد؟

او هرگز با پدرش مخالفت نمی‌کرد و به نظرش، بدون آن‌که پی‌جویی کند و به دلیل آن علاقمند باشد، احترام می‌گذاشت.

ملک فاروق (دوران پادشاهی: 1936 تا 1952)، پادشاه مصر، از شیخ احمد \* السید، عموی شیخ محمد صدیق المنشاوی خواست که قاری رسمی قصر پادشاه باشد، ولی او نپذیرفت... چرا؟

او این درخواست را رد نکرد... بلکه با پادشاه شرط کرد که از ساعت 9 شب که رادیو مصر، تلاوت قرآن کریم را از قصر پادشاه، پخش می‌کند، قهوه چیان [شهر] دیگر، نوشیدنی نیاورند و مردمان، تخته نرد بازی نکنند. به پادشاه گفت: قرآن، جلالی دارد چرا که کلام خدا است و مردم را روا نباشد که هنگام تلاوتش، به درخواست نوشیدنی و بیهوده‌گویی و بازی تخته نرد بازی بپردازند. پادشاه به او گفت: این بدان معنی است که نگهبانی بر هر قهوه چی بگماریم و این کاری است که من از انجام آن معذورم. شیخ احمد به او گفت: این گونه، ما هم از انجام

این کار معذور هستیم. و تلاوت کرد: فإذا قرئ القرآن فاستمعوا له و أنصتوا  
لعلکم ترحمون (اعراف – 204) " پس هنگامی که قرآن خوانده می شود، بدان  
گوش دهید و ساکت باشید، شاید رستگار شوید. " پس برای پادشاه چاره‌ای  
نماند جز آن که از او تجلیل و تقدیر کند و نتوانست او را مجبور کند تا قاری قصر  
.پادشاه باشد

چرا شیخ محمد صدیق المنشاوی دوبار ازدواج کرد؟ \*

ایشان در سال 1938 با دخترعمویش ازدواج کرد و از او 4 فرزند داشت: دو  
پسر و دو دختر؛ سپس بار دیگر در حالی که عمرش از 40 سال گذشته بود با  
زنی دیگر ازدواج کرد. همسر دومش از مرکز آخمیم در استان سوهاج بود. از او  
نیز 9 فرزند داشت: 5 پسر و 4

شایعه شد که صدای شیخ محمد صدیق المنشاوی ضعیف است و آن را مگر به \*

کمک میکروفون، نمی‌تواند به شنوندگانش برساند... چه کسی این شایعه را  
پخش کرد؟ و شیخ محمد چگونه با آن شایعه برخورد کرد؟

در واقع، این موضوع شایعه‌ای بود که به خاطر حسودی و برتری جویی یکی از  
مقریان در گوشها پیچید. بعضی از ارادتمندان و نزدیکان دیگر مقریان، این  
حادثه را برای ما تعریف کردند و صحت آن برای ما محرز شد؛ ماجرا از این  
قرار بود که شیخ محمد به همراه مقری دیگری، شبی برای قرائت به استان المنیا  
دعوت شده بود و افراد زیادی برای شنیدن تلاوت قرآن با صدای شیخ محمد

حاضر شده بودند که تعداد آنها فزونتر از 10 هزار نفر بود. زمانی که آن مقری،  
علاقه شدید مردم و بی تابی دعوت کننده، به زودفرارسیدن تلاوت شیخ محمد  
صدیق را احساس کرد، دیگر خود را ناگزیر دید که به متصدی میکروفون  
پیشنهاد دهد که اشکالی فنی در میکروفون ایجاد کند و در میان مردم شایعه  
شود که صدای شیخ محمد واقعاً ضعیف است و اگر میکروفون نبود هرگز این  
شهرت را نداشت. وقتی شیخ محمد صدیق آماده قرائت می شد، با ایراد  
میکروفون مواجه شد؛ لذا متصدی میکروفون را از آن آگاه ساخت. اما متصدی از  
اصلاح آن، سر باز زد؛ شیخ محمد صدیق احساس کرد که توطئه ای برای در  
تنگنا قراردادن او میان این جمعیت عظیم در کار است. پس [برای شروع به  
تلاوت، آن چنانکه در قرائت مرسوم است] استعاذه کرد و در حالی که از مکانی  
که برای قرائت در نظر گرفته شده است خارج می شد، قدم زنان به قرائت  
پرداخت در حالی که مردم او را همراهی می کردند تا آن جاکه مردم از قدرت  
صدایش به شگفتی آمدند. آن مقری حسود در حالی که خوار و درمانده شده بود  
آن مجلس را ترک کرد؛ مجلسی که شیخ محمد صدیق تا ساعات آخر شب، در  
آن به تلاوت پرداخت. زمانی که بعدها از پدرمان (شیخ محمد صدیق) از آن  
واقعه پرسان شدیم گفت: آنچه که به شما گفته شده اتفاق افتاده است. بعد از  
او از نام آن مقری پرسیدیم که گفت: **إِنَّ اللَّهَ حَلِيمٌ سَتَّارٌ**؛ خداوند، بردبار و  
پوشاننده است.

گفته می شد که نبوغ شیخ محمد صدیق المنشاوی و نوآوری های او در تلاوت، \*  
حسد برخی افراد را برانگیخته بود. تا آنجا که در غذای او سم ریختند... چگونه  
شیخ محمد از مرگ حتمی نجات یافت؟ و چه کسی در غذای او سم ریخت؟  
این واقعه را خود ایشان برای ما تعریف کرده بود و اگر کسی غیر از خود شیخ  
محمد چنین چیزی را تعریف می کرد، هرگز باور نمی کردم. ایشان، برای  
پدربزرگم شیخ صدیق در مجلسی که ما هم آن جا حاضر بودیم تعریف کرد که  
شبی، در سال 1963، بعد از اتمام تلاوت، صاحب دعوت، از ایشان جهت تبرک  
دعوت کرد که غذا را با خانواده ایشان صرف کنند. شیخ محمد این دعوت را  
نپذیرفت، تا این که صاحبخانه، کسانی از خانواده اش را فرستاد و بر شیخ محمد  
اصرار کردند تا اینکه دعوت را پذیرفت. قبل از شروع به خوردن غذایی که  
برایش آوردند، آشپز به او نزدیک شد، در حالی که به شدت از ترس میلرزید، و  
در گوشش گفت : شیخ محمد! شما را از واقعه مهمی آگاه میکنم و امیدوارم که  
مرا رسوا نکنی، چرا که کار و زندگی ام در این خانه، از دست میرود. شیخ محمد  
پرسید که چه شده است؟ او گفت: کسی از من خواست که در غذای شما سم  
بریزم، من هم در سینی ای که کمی بعد برایتان خواهد آمد، سم ریختم. از غذای  
آن سینی نخور. ضمیرم از خواب بیدار شد و آمدم که تو را بر حذر دارم، چرا که  
نمی توانستم آن غذا را برایت بیاورم. اهل خانه مخصوصا به جهت تکریم شما،  
مرا ترغیب کردند که آن سینی را برایتان بیاورم، در حالیکه آنان از آنچه در آن

است خبر ندارند... آن شخص به من پول داد تا در غذای شما، دور از چشم اهل خانه، سم بریزم. من هم چنین کردم. امیدوارم مرا رسوا نکنی... زمانیکه سینی غذای مسموم را برای شیخ آوردند، آن را شناخت همانگونه که آشپز تعریف کرده بود. پس تظاهر به خستگی کرد و از خوردن غذا دست کشید. اما اهل خانه او را قسم دادند که غذا بخورد. پس تکه ای نان که جلویش بود را خورد و گفت: (خدا سفره شما را برکت دهد و سپس از آنها جدا شد. (خداحافظی کرد

آیا شیخ محمد نام کسی را که اراده کشتنش را داشت، نگفت؟\*

هرگاه که این حادثه را به یاد می آورد، به شدت از کارهای آن مرد تعجب میکرد، به خصوص وقتی دانست که او یک مقری [ مرتبهای بالاتر از قاری] است، ولی نام او را نمی گفت تا آنجا که ما از اینکه حتی پدر بزرگم از پرسش نام او را نمی پرسد تعجب می کردیم و با این وجود دیگر جایی برای پرسش ما باقی دختر. همسران او با هم در یک نبود، مگر آنکه خودش نام او را آشکار میکرد خانه زندگی می کردند و بینشان دوستی و علاقه بود و شیخ محمد می گفت: مردم مرا دوست دارند و خویشاوندی با مرا خواستارند. هنگام ادای فریضه ی حج، سال قبل از وفات شیخ محمد، همسر دوم او درگذشت

زندگینامه استاد راغب مصطفی غلوش



راغب مصطفی غلوش در سال ۱۹۳۸ در روستای برما، مرکز طنطا در استان غربی کشور مصر متولد شد.

پدرش علاقه‌مند بود او را برای تحصیل علوم ابتدائی بفرستد تا صاحب مقامی شود، در روستا مکتب‌های فراوانی وجود داشت و مردم **مصر** بزرگ در کشور در آن زمان از آن جا که کلمه عالم، جز به رجل دینی به ویژه امام مسجد که خطبه نماز جمعه را می‌خواند اطلاق نمی‌شد، به حفظ قرآن کریم توسط فرزندان‌شان همت می‌گماشتند تا آن‌ها عالم شوند.

از این روی یکی از نزدیکان به پدر او حاج «مصطفی غلوش» سفارش می‌کند  
فرزندش راغب را به یکی از استادان حفظ بسپارد تا حفظ قرآن را به او بیاموزد.  
او با این نظر موافقت کرد و به پسرش راغب سفارش کرد که هر روز پس از  
درس به مکتب برود.

راغب کودکی هشت ساله بود که به فراگیری قرآن روی آورد و به دلیل صوت  
زیبا و تا قبل از 10 سالگی موفق به حفظ کل قرآن کریم شد و بعد از حفظ کامل  
قرآن، به یادگیری احکام آن تحت نظارت شیخ «عبدالغنی شرقاوی» در روستای  
برما پرداخت.

در سن 14 سالگی آوازه وی به روستاهای هم‌جوار و حتی شهر طنطا، هم رسید.  
در رمضان سال 1953 دعوت‌هایی از روستاها و شهرهای نزدیک به روستا به او  
رسید و در سن 15 سالگی به روستای «محله القصب» در استان کفرالشیخ دعوت  
شد.

در این سن او شهر طنطا رهسپار شد و به مؤسسه و آکادمی قرائات در مسجد  
احمدی ملحق شده و تحت نظر مرحوم استاد «ابراهیم طبلی‌هی» به فراگیری  
علوم و فنون قرائت قرآن پرداخت.

غلوش در گفت و گویی درباره سبک کاری خود سنین نوجوانی و جوانی می‌گوید:  
من همیشه آرزو می‌کردم یک قاری مشهور و محبوب باشم و در آغاز بسیار به

خود مغرور بودم و فکر می‌کردم که چون صدای من شبیه صدای استاد «مصطفی اسماعیل» است، من نیز مانند او مشهور و محبوب خواهم شد

راغب مصطفی غلوش توانست در سن نوجوانی و قبل از 18 سالگی برای خود شهرتی به دست آورد. وی در سال 1958 میلادی در حالی که 20 سال داشت برای سربازی و ادای خدمت خوانده شد و به مرکز آموزش اداره امنیت مرکزی برای انجام خدمت سربازی فرستاده شد.

وی با یادآوری خاطرات آن روزها می‌گوید: من به نیروهای امنیت مرکزی ملحق شده بودم در عین حال مرتب به مسجد امام حسین(ع) تردد می‌کردم و مشتاق بودم تا اگر شده حتی یک آیه در بزرگترین و مشهورترین مساجد مصر و قاهره قرائت کنم و مشتاق بودم که توانایی‌های خود را به مسئولان مسجد نشان دهم تا شاید برایم فرصتی پیش آید تا 10 آیه‌ای قرائت کنم یا در این مسجد بزرگ اذان بگویم.

غلوش در خاطرات خود از چگونگی قرائت قرآن در مسجد حسینی می‌گوید: پس از مدتی با امام جماعت مسجد حسینی، شیخ «حلمی عرفه» آشنا شدم و نزد وی به تلاوت قرآن پرداختم که باعث رضایت و خرسندی وی از تلاوت من شد، روزی فرصت را غنیمت شمرده و علاقه خود را برای تلاوت قرآن در مسجد حسینی ابراز کردم و از وی خواستم که به من برای قرائت قرآن قبل از اقامه نماز اجازه دهد، وی به من گفت: از آن‌جا که شیخ «طه الفشنی» قاری مسجد است اگر تأخیر کرد این اجازه را داری که به تلاوت قرآن بپردازم.

این قاری ممتاز در ادامه خاطره خود می‌گوید: از خداوند خواستم که شیخ طه‌الفشنی تأخیر کند و گویی که درهای آسمان به تمامی بازگشته بود و خداوند دعوت مرا اجابت کرد و آن روز استاد الفشنی به علت کاری که برایش پیش آمده بود تأخیر کرد و موعد اذان نیز نزدیک شد، در آن هنگام شیخ حلمی به من گفت: خود را برای قرائت قرآن آماده کن و خطاب به مسئول مسجد نیز گفت بگذار راغب قرآن را تلاوت کند.

راغب مصطفی غلوش ادامه می‌دهد: این موضوع در ماه رمضان اتفاق افتاد و صدا در حال روزه خوب و کشیده و زیبا می‌شود و من شروع به تلاوت 10 آیه اول سوره الحاقه کردم و فضای مسجد منقلب شد تا آن‌جا که من شبیه خیمه‌ای در وسط میدان شدم و در قرائت فرو رفتم چرا که مردم با گفتن «الله یفتح علیک»، «یبارک فیک»، «تانی‌الآیه» به من شجاعت می‌بخشیدند و من آیات را بنا به خواست افراد موجود در مسجد بیش از یک بار خواندم و زمان تلاوت به بیش از نیم ساعت رسید، من به پادگان برگشتم در حالی که شادی‌ام وصف ناشدنی و اعتماد به نفسم از این‌که مسجد پادگان را در طول مدت خدمتم به من واگذار کرده بودند زیاد شده بود، به من برای خروج در هر زمانی اجازه می‌دادند و من به مسجد امام حسین(ع) زیاد رفت و آمد می‌کردم و به واسطه این مسجد شهرت پیدا کردم و با این مسئله من خیلی خوشحال شدم چراکه در مسجدی قرائت می‌کردم که مرحوم «شیخ محمود خلیل‌الحصری» و مرحوم شیخ «طه‌الفشنی» در آن به تلاوت قرآن می‌پرداختند.

غلو ش درباره چگونگی پیوستن خود به رادیو می‌گوید: با قرائت در مسجد امام حسین(ع) زمینه پیشرفت من در زمینه تلاوت قرآن کریم فراهم شد و من به مسئولان دولتی شناسانده شدم، آن‌ها مرا به قرائت قرآن در حضور عامه مردم تشجیع می‌کردند و سبب از بین رفتن ترس و وحشت در وجود من شدند و عامل اصلی دعوت از من برای احیاء مجالس حزن و ماتم در قاهره برای تلاوت قرآن شدند که در آن مجالس با مشاهیر قاریان رادیو مانند استاد «مصطفی اسماعیل»، استاد «عبدالباسط محمد عبدالصمد»، استاد «حصری» و غیره آشنا و همراه می‌شدم.

غلو ش می‌افزاید: از میان کسانی که به مسجد حسینی می‌آمدند استاد «محمد امین حماد»، مدیر رادیو در آن وقت بود، در آن‌جا حاضران به او گفتند استاد حماد، به راغب نیز کارتی بدهید تا بتواند به رادیو بیاید و تقاضانامه ملحق شدن به رادیو را پر کند، وی در همان‌جا به من کارتی را داد و گفت: فردا در دفتر من در ساختمان رادیو نزد من باش، من به مسجد امام حسین(ع) رفتم و شیخ «حلمی عرفه»، سرهنگ «صلاح الالفی» و سرهنگ «محمد الشماع» را دیدم و هر سه با من برای رفتن نزد مدیر رادیو موافقت کردند، مدیر رادیو نیز به‌خاطر بودن آن‌ها نسبت به من حسن استقبال را داشت و من در آن‌جا تقاضانامه ورود به رادیو را نوشتم.

استاد غلو ش ماجرای پیوستن به رادیو را این‌گونه ادامه می‌دهد: بنابر تاریخی که برای گرفتن تست از من اعلام شده بود به رادیو رفتم، در آن‌جا می‌بایست نزد

هیئت داوران امتحان می‌دادم، 160 قاری دیدم، آن‌ها به من گفتند: تو نگهبان هستی؟ (من لباس سربازی به تن داشتم) من گفتم من هم همراه شما هستم و برای امتحان آمده‌ام، آن‌ها تعجب کردند و بعضی از آن‌ها نیز برای من آرزوی موفقیت کردند.

غلوش درباره چگونگی گرفتن امتحان قرائت برای ورود به رادیو این گونه می‌گوید: هیئت داوران از دو قسمت تشکیل می‌شد، قسمتی برای صوت و دیگری برای قرائت قرآن، آن‌ها به من گفتند از این قسمت بخوان «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا يجزي الا مثلها و هم لا يظلمون»، من نیز به لطف خدا موفق شدم آیاتی را که به من داده شده بود به خوبی تلاوت کنم، اعضاء هیئت برایم درود فرستادند و مرا به محافظت از صدایم توصیه کردند.

#### • **خاطره مقام معظم رهبری از غلوش**

استاد غلوش خاطره خود در پیوستن به رادیو را این گونه خاتمه می‌دهد: از مدت سربازی‌ام 20 روز مانده بود و من در صدد گرفتن گواهی پایان خدمت بودم و قبل از دو یا سه ماه انتظار معلوم شدن نتیجه را نداشتم، پس از گرفتن گواهی پایان خدمت به روستای برما برگشتم و با چیزی که انتظار نداشتم مواجه شدم، اهل روستا استقبال غیر منتظره‌ای از من کرده بودند، به آن‌ها گفتم قضیه چیست؟ گفتند: مگر این خبر را شنیده‌ای؟ گفتم: کدام خبر؟ گفتند اسم و عکس تو با تیتراژ درشت در همه روزنامه‌ها درج شده است، آن‌ها مرا گروه‌بان

قاری خطاب می‌کردند.

غلو ش بیش از 30 سال متوالی برای قرائت کتاب روح‌بخش الهی به کشورهای مختلف جهان از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس و به ویژه امارات و کویت و نیز جمهوری اسلامی ایران سفر کرد و به این نکته ایمان داشت که این مأموریت و رسالت سنگینی است که به نحو شایسته باید آن را ادا کرد.

غلو ش را باید احیاگر فنون استاد مصطفی اسماعیل در تلاوت قرآن کریم دانست، وی با بهره‌گیری از سبک استاد مصطفی اسماعیل توانست سبکی زیبا و منحصر به فرد برای خود برگزیند، سبکی که البته با تمام ظرافت‌های خود در بین قاریان جوان ما تا حدودی ناشناخته است.

غلو ش البته به مانند قاریان متأخر کشور مصر علاقه‌ای به مبسوط‌خوانی مقام بیات در ابتدای تلاوت ندارد، وی پس از خواندن چند فراز ابتدایی در مقام بیات به مقام رست منتقل می‌شود و پس از اجرای آن مقام آن‌گاه اسکلت تلاوت خود را پی‌ریزی می‌کند.

#### • **یادی از استاد راغب مصطفی غلو ش؛ آن صدای آسمانی**

تلاوت سوره احزاب او که در ایران با زیبایی هرچه تمام‌تر اجرا شده است را می‌توان به عنوان نماد و سمبل تلاوت‌ها و نماینگر سبک وی در تلاوت قرآن دانست، تلاوتی که در آن مقام صبا را با ظرافت فنی خاصی اجرا می‌کند.

غلو ش از صدایی بم و با طنین بسیار زیبا برخوردار است و در تلاوت‌های خود حتی تا دو اکتاو صوتی را به اجرا می‌گذارد، تحریرپذیری صدای او نیز کمکی شایان است برای زیباتر ساختن تلاوت‌های او

راغب مصطفی غلو ش بعد انقلاب و در سال ۱۳۶۸ به ایران سفر کرد و بعدها نیز چندین بار به ایران آمد و اجراهای بسیاری هم داشت و حتی اذانی هم برای سیمای جمهوری اسلامی ایران خواند که هر از گاه پخش می‌شود

راغب مصطفی غلو ش در سن ۷۷ سالگی و در روز پنج شنبه ۲۴ ربیع‌الثانی (۱۵ بهمن) در گذشت و در روستای خود به خاک سپرده شد

زندگینامه شیخ محمد احمد بسیونی

« ... اولین گام برای یک قاری قرآن حفظ قرآن است کسی که حافظ قرآن باشد بسیار بهتر می‌تواند به قرائت قرآن بپردازد . بنابر این به تمامی قاریان سفارش می‌کنم که حتما به حفظ قرآن نیز اهتمام بورزند . »

استاد احمد محمد بسیونی

استاد بسیونی در سال 1330 ه.ش. در کشور مصر به دنیا آمد و با کمک پدر از کودکی به آموزش علوم قرآنی پرداخت . او در سن ده سالگی حافظ قرآن شد . سرانجام پس از آموزش ابتدایی وارد دانشگاه الازهر شده در دانشکده علوم

دین به تحصیل پرداخت و پس از فارغ التحصیل شدن در همان جا به تدریس علوم دینی همت گماشت . استاد بسیونی از همان سن 12 سالگی قرائت و تلاوت قرآن را در مجالس و محافل آغاز کرد . او در سن 24 سالگی وارد صدا و سیمای کشور مصر شده و اکنون حدود 13 سال است که در دانشگاه الازهر به تدریس اشتغال دارد . ایشان در سخنان خویش به این نکته اشاره داشتند که قاریان ایرانی از حیث تلاوت قرآن بسیار زیبا تلاوت می کنند اما نکته ای که مورد توجه قرار دهند این است که در راستای تمرینات خویش از حفظ قرآن نیز غفلت نورزند . استاد همچنین در سخنان خویش به قاریان قرآن توصیه کردند از نکاتی که برای صوت شخص مضر می باشد پرهیز کنند . از جمله این نکات چیز های بسیار گرم و بسیار سرد است . همچون نوشابه سرد در روزهای تابستان یا منتقل شدن به صورت ناگهانی از یک مکان سرد به یک مکان گرم .

ایشان در رابطه با استفاده موسیقی در قرآن عقیده داشتند که باید بر طبق معانی از موسیقی مشابه معنا استفاده کرد . فی المثل در آیات وعید دستگاه صبا مناسب است . زیرا این دستگاه با حزن همراه می باشد و این حزن باعث می شود که مستمع در صورت گناهکار بودن از خوف و عذاب الهی اشک بریزد . یعنی میان آهنگ قرآن و معانی هماهنگی و تناسب ایجاد کند . البته چنین مسئله ای در رابطه با تمام دستگاه های قرآنی صدق می کند .

استاد می گوید : « اسامی این دستگاه ها بر اساس تناسب با صدای قاری از لحاظ طبقات صوتی فرق دارد . بنابر این قاری کسی است که بتواند پس از شناخت خوب و دقیق دستگاه ها آن ها را به نحوی صحیح و حکیمانه در جای خود ارائه

نماید و این طبیعتاً به وضعیت روحی افراد بستگی دارد . اجرای این دستگاه ها باید به گونه ای باشد که اگر قاری در یک دستگاه معینی به تلاوت پرداخت مستمع خسته نشود و حتی اشتیاق آن داشته باشد که یک بار دیگر بدان گوش فرا دهد . چنین امری طبیعتاً مستلزم تلاش و وقت زیادی است . باید به گونه ای عمل کرد که قاری وضعیت خود را سنجیده و سپس مطابق با آن در طبقات بالا به تلاوت بپردازد . قاری باید چنان تلاوت کند که اگر در یک دستگاه به تلاوت بپردازد تنوع و نظم خاص را در آن دستگاه رعایت کند . استاد اضافه می کند : « مجموع آن دستگاه ها 8 دستگاه می باشد و چنانچه قاری قرآن 3 تا 4 دستگاه را در یک تلاوت پیاده کند مکفی است . چنانچه با دستگاهی تلاوت خود را آغاز می کنیم بهتر است با همان دستگاه نیز به پایان رسانیم تا آنکه تناسب در تلاوت رعایت شود » . ایشان در ادامه سخنان خود پیرامون مهارت اساتید مصر در زمینه موسیقی قرآن می گوید : « اکثر آنها دستگاه های موسیقی را به خوبی می دانند و تواشیح تاثیر بسیار در موسیقی دارد . امثال شیخ احمد نداء شیخ طه الفشنی مهارت بسیار در موسیقی دارند . همچنین استاد فقید شیخ مصطفی اسماعیل در این زمینه استاد بودند » .

وی می گوید قرآن کریم در تمام دنیا دارای اهمیت و ارزش خاصی است . ایشان به کشورهای اروپایی از جمله ایرلند شمالی و جنوبی لندن و کشورهای دیگر مسافرت کرده اند . و در سال 1368 به همراه استاد راغب مصطفی غلوش برای اولین بار به ایران مسافرت کرده در شهرهای مختلفی به تلاوت پرداختند . در سال 69 استاد مجدداً به ایران مسافرت کردند و او همواره از عشق و علاقه وافر

مردم ایران به قرآن یاد می کند . ایشان می گویند : عزیزان ایرانی درست به همان دستگاهی که قاری تلاوت می کند به همان دستگاه وی را مورد تشویق قرار می دهند و این از مواردی است که در کشورهای دیگر به چشم نمی خورد . استاد همواره از خاطرات سفر خود به ایران به عنوان بهترین خاطرات زندگی خویش یاد می کند .

محمد احمد بسیونی ( مصاحبه )

**س1-** استاد؛ با عرض سلام و خوش آمد خدمت شما، خواهش می کنم خودتان را بطور کامل معرفی فرمایید ضمن اینکه خواهید فرمود که چند سال دارید و شغل شما چیست؟

**ج:** بسم الله الرحمن الرحيم - اسم من محمد احمد بسیونی و قاری مصر هستم که در صدا و سیمای کشور مصر، قرآن تلاوت می کنم و در حدود چهل سال دارم.  
**س2-** استاد، بفرمایید در چه سالی شروع به تلاوت و حفظ قرآن کریم نمودید و در چه سنی بودید که وارد رادیو و تلویزیون شدید؟

**ج:** در واقع، پدر بنده که حافظ قرآن و دارای صدای زیبایی می باشد با پیشنهاد یکی از دوستانش مرا از کوچکی به محافل قرائت قرآن می برد و بنده قرآن را تحت نظارت و رعایت پدرم حفظ نمودم در حالی که 10 سال بیشتر نداشتم و مرا به دانشگاه الازهر وارد کرد تا اینکه بنده تا سطح لیسانس در آنجا درس خواندم و این سطح در مصر به عنوان یک سطح عالی به شمار می رود یعنی در واقع بنده فارغ التحصیل از دانشکده اصول دین در دانشگاه الازهر می باشم .

زمانی که تلاوت قرآن را شروع نمودم 12 سال سن داشتم و همینطور مراحل بالاتر را به همراه پدر خود و اساتید محترم و فاضل خویش طی می نمودم تا اینکه وارد صدا و سیمای کشور مصر شدم ؛ و در این مقطع بنده 24 سال سن داشتم یعنی در حدود 16 سال پیش . و هم اکنون مدرس علوم دینی در دانشگاه الازهر مصر و قاری قرآن می باشم و در واقع حدود 13 سال است که در دانشگاه الازهر در علمی که در دانشگاه وجود دارد تدریس می کنم .

**س3-**بفرمایید نظر شما راجع به تلاوت قاریان ایرانی چگونه است ؟ چنانچه پیشنهاد خاصی دارید در این زمینه خواهش می کنم که بفرمایید .

**ج:** حقیقت مطلب این است که هنگامی که تلاوت قرآن قاریان ایرانی را استماع می کنم بسیار خرسند و خوشحال می شوم بخصوص که بسیار علاقه می ورزند نسبت به تلاوت قرآن و نیز قریان و اساتید قرآن کریم به ویژه اساتید معروف مصری که مرحوم شده اند مانند استاد شیخ مصطفی اسماعیل . و نیز بسیار خرسند گشته ام هنگامی که متوجه شدم بسیاری از قاریان ایرانی از شیخ مصطفی اسماعیل تقلید می کنند . واقعا و استادی بزرگ بود و ایشان موهبتی بود که خداوند متعال برای ما عطا کرده بود و ما و بسیاری از قراء از ایشان بسیار استفاده می نمودیم ایشان دارای صوتی نیکو و فن بدیع و جالبی در دستگاه های موسیقی و تلفظ و ادائی عالی بود . اما نکاتی درباره عزیزان قاری ایرانی به نظر می رسد و آن اینکه این عزیزان اکثرشان از روی قرآن تلاوت می کنند و حال آنکه لازم است قرآن را حفظ نمایند و مسئله حفظ قرآن برای این عزیزان لازم است . امیدوارم در ملاقات بعدی و سفر بعدی چنانچه به جمهوری اسلامی

ایران سفری داشته باشم تلاوت ایشان را از حفظ ملاحظه نمایم . از خداوند متعال می خواهم ایشان را در حفظ قرآن کریم یاری بخشد و تلاوت آنها را از حفظ و ذهن قرار دهد . و دیگر اینکه باید بگویم : البته این سؤال را بشیتر از بنده داشتند آن چیزی که در تحسین صدای آدمی تاثیر می گذارد روی حفظ و نگهداری از صدا و صوت است اینکه سرما نخورد و پرهیز کند از چیزهایی که برای صدا مضراست مثل چیزهایی که بسیار گرم است و بسیار سرد مانند نوشابه سرد در روزهای گرم تابستان منتقل شدن از یک مکان گرم به مکان سرد به طور ناگهانی که البته بنده این اواخر دچار سرماخوردگی شدم و موجب ناراحتی بنده شد بدین جهت نتوانستم بسیار استفاده برسانم . و در ایران اسلامی بسیار از زیارت رهبر معظم انقلاب حضرت ایهاالله خامنه ای خوشحال شدم و با وجود ایشان در آن حسینیة فیالواقع بنده احساس می کردم ملائکه سماء در حال چرخش و گردش هستند . و این رهبری که مردم او را دوست دارند و بنده ایشان را از جان و دل دوست می دارم و اهل قرآن همگی او را دوست دارند و در آن مجلس روحانی که ایشان حضور داشتند تابحال در هیچ جا ندیدم امیدوارم موفق باشند و خداوند سلامتی و عافیت به ایشان عنایت فرماید .

**س4-** استاد نظر خودتان پیرامون این شوق و احساسات پر شور مردم نسبت به قرائت رآن بخصوص در شهرهای تهران؛ قم و مشهد مقدس را بفرمایید چگونه بوده است؟ و آیا شما چنین جمعیتی با چنین علاقه ای نسبت به قرآن در دیگر کشورهای که به آنجا سفر کردید سراغ دارید یا خیر؟

**ج:** در واقع قرآن کریم در تمام دنیا دارای اهمیت و ارزش خاصی است، بنده به

اروپا سفر نموده ام بخصوص به لندن رفتم و نیز به ایرلند شمالی و جنوبی و اماکن دیگر این مطلب وجود دارد که هیچ جا مثل ایران این احساس حماسی و شور و شوق خاص وجود ندارد نسبت به قرآن کریم. بخصوص این نکته جالب است که عزیزان ایرانی به همان دستگاهی که قاری تلاوت می کند به همان دستگاه او را مورد تشویق قرار میدهند و این از مواردی است که در کشورهای دیگر به چشم نمی خورد.

**س5-** استاد، اشاره ای داشتید در مورد موسیقی و آیا در تلاوت قرآن بهتر است موسیقی مورد استفاده قرار گیرد و شما بیشتر در تلاوت خویش از چه دستگاهی استفاده می کنید؟

**ج:** لازم است بدانیم که آهنگ و موسیقی قرآن کریم منحصر به فرد است و با آهنگ و موسیقی و آواز بسیاری دارد و لذا جهت هر دستگاهی منزلتی هست مختص به خود و معانی قرآن. و لذا معمولاً در آیات وعید دستگاه صبا مناسب است زیرا این دستگاه با حزن تناسب دارد و این حزن باعث می شود مستمع در صورتی که گناه کار باشد از خوف خدا و عذاب و ملاقات با خدا بگریزد. یعنی بین آهنگ قرآن و معانی آن هماهنگی ایجاد نماید و این مسئله درباره تمام دستگاههای موسیقی صدق می کند. اما اینجانب بحمدالله در تلاوتهای خودم، قریب به تمام دستگاهها را که با صدای بنده تناسب دارد مورد توجه قرار می دهم و این مطلب را تمام قراء و اساتید فن تجوید اذعان دارند. و بنده از برخی از عزیزانی که در فن موسیقی استاد هستند این دستگاهها را آموخته و اسامی این دستگاهها را و اینکه چگونه با صدای من تناسب دارند و طبقات

صوتی فرق دارند و لذا قاری متحبر کسی است که این دستگاهها را خوب بشناسد و صحیح و حکیمانه هر کدام را در جای خود ارائه نماید . و این طبیعتاً به وضعیت روحی و مزاجی افراد بستگی دارد و ارائه این دستگاهها باید به گونه ای نباشد که اگر مثلاً قاری در یک دستگاه معینی تلاوت کرد، مستمع خسته شده و نخواهد حتی یک بار یگر بدان گوش دهد، و این طبیعتاً وقت زیادی را از برادران قاری ایرانی خواهد گرفت. به عنوان نمونه، ما مواردی از برادران قاری ایرانی مشاهده نموده ایم که وضعیت حنجره وی با دستگاهی که ارائه میداد تناسب نداشت یعنی بیش از حد از نظر صوتی بالا رفته بود . و لذا حتماً لازم است شخص قاری، استعداد خود را در ارتباط با قوت و قدرت صدا و حنجره خود بسنجد و سپس مطابق با آن وارد طبقات بالای صوتی شود. و بنده سعی می کنم این دستگاهها را به گونه ای ارائه کنم که اگر یک ساعت تمام مستمع، صدای مرا بشنود، خسته و آزرده نشود و این از فوائد موسیقی قرآن است و لذا ممکن است بنده نیم ساعت در یک دستگاه بخوانم اما خسته کننده نباشد به جهت اینکه ایجاد تنوع و نظم خاصی می کنم . مجموع این دستگاهها 8 تا است چنانچه قاری قرآن 3 یا 4 دستگاه را در تلاوت پیاده کند، مکفی است؛ غالباً چنانچه تلاوت کننده با دستگاهی شروع نماید بهتر است با همان دستگاه خاتمه دهد و علمای موسیقی اینگونه می گویند که تناسب حفظ گردد.

**س6-** آیا قاریان مصری، دستگاههای موسیقی را خوب می دانند؟

**ج:** اکثریت آنها می دانند، و تواشیح تاثیر بسیاری در موسیقی دارد و امثال شیخ احمد نداء و شیخ طه الفشنی مهارت زیادی در موسیقی دارند و همچنین استاد

بزرگ شیخ مصطفی اسماعیل استاد بود در دستگاههای موسیقی؛ و ایشان بسیار می شنید صدای کسانی را که تواشیح می خواندند و از قدماء و کسانی که دستگاههای موسیقی را خوب آموخته بودند .

**س7-** با تشکر از شما استاد بسیونی، در پایان اگر پیامی دارید بفرمایید .

**ج:** آرزوی سعادت و توفیق به برکت قرآن کریم برای شما و تمام ملت عزیز ایران دارم، انشاءالله در فردوس برین با یکدیگر ملاقات نماییم و تشکر می کنم از اساتید ایرانی و مسئولین رادیو قرآن که در تهیه برنامه زحمت زیادی می کشند و آرزوی سعادت مندی برای آنها دارم.

زندگینامه شیخ ابوالعینین شعیشع



استاد شعیثع قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در سفری که به ایران داشت در شهرهایی نظیر تهران، مشهد، اصفهان و شیراز به تلاوت قرآن مبادرت کرد و بعد از انقلاب نیز به عنوان داور مسابقات بین‌المللی قرآن کریم به ایران سفر کرده است.

استاد «ابوالعینین شعیثع» یکی از هفت داوری است که طی مردادماه امسال و در آستانه سالروز ولادتش با سفر به کشورمان در بیست و پنجمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم ایران به قضاوت خواهد پرداخت. به همین بهانه نگاهی مختصر به زندگانی شیخ‌القراء مصر می‌اندازیم.

ابوالعینین شعیثع، شیخ‌القراء مصر

استاد «ابوالعینین شعیثع» نامی شناخته شده در بین قاریان و حاملان قرآن و از معدود بازماندگان و یادگاران عصر طلایی تلاوت کشور مصر است.

استاد ابوالعینین شعیثع در سال ۱۳۴۳ هجری قمری مصادف با ۱۹۱۵ میلادی در «بیلا» از توابع استان «کفرشیخ» متعلق به مصر علیا به دنیا آمد. وی مراحل اولیه قرائت را در اوان کودکی زیر نظر خانواده خود فراگرفت و سپس در محضر استادان فن قرائت به تکمیل این علم پرداخت.

شعیثع در ۱۷ سالگی برای اولین بار در رادیوی مصر به تلاوت قرآن پرداخت و این موفقیت خود را مرهون مساعدت‌های مرحوم استاد شیخ «عقیق» شاعر و

مؤلف داستان پیامبر بزرگ اسلام (ص) می‌داند و از این به بعد بود که تلاوت‌های استاد شعیشع پیوسته از همه رادیوهای کشورهای عربی و اسلامی پخش می‌شد.

این قاری مشهور دارای قرائتی وزین و متین است، دقت در اداء کلمات و رسایی بیان و تلفظ قوی از ویژگی‌های قرائت استاد بوده که کم‌نظیر و مختص ایشان است. استاد ابوالعینین شعیشع تنها قاری عصر خویش به‌شمار می‌رود که به روش استاد مرحوم «محمد رفعت» به تلاوت می‌پردازد، بدین سبب وی از مشاهیر قاریان معاصر محسوب می‌شود و همواره مشتاقان قرآن کریم از تلاوت‌های تأثیرگذار ایشان در جهان فیض می‌برند.

این قاری بزرگ جهان اسلام در شیوه قرائت تسلط فوق‌العاده‌ای دارد و در انواع سبک‌های ده‌گانه و هفت‌گانه قرائت دارای مهارت و چیرگی خاصی است و اغلب قرائت خود را به طریق روایت حفص از عاصم طبق رسم الخط عثمان طه تلاوت کرده است.

ابوالعینین شعیشع در خاندانی قرآنی پرورش یافته است و قاری مشهور مرحوم استاد «عبدالفتاح شعیشعی» عموی ایشان و مرحوم استاد «عبدالباسط محمدعبدالصمد» نیز خواهرزاده این استاد هستند.

*ابوالعینین؛ جوان‌ترین قاری رادیو مصر*

استاد ابوالعینین شعیشع در سن ۱۷ سالگی برای اولین بار در رادیوی مصر به تلاوت قرآن پرداخت و این موفقیت خود را مرهون مساعدت‌های مرحوم استاد

شیخ «عبدالهه عقیق» شاعر و مؤلف داستان پیامبر بزرگ اسلام (ص) می‌داند و از این به بعد بود که تلاوت‌های استاد شعیثع پیوسته از همه رادیوهای کشورهای عربی و اسلامی پخش می‌شد.

استاد به بسیاری از کشورهای جهان مسافرت کرده است و در آن‌جا به تلاوت قرآن پرداخته که از آن جمله می‌توان به کشورهای فرانسه، ترکیه، انگلیس، یوگسلاوی سابق، سومالی، اردن، سوریه، فلسطین، لبنان، ایران و کویت اشاره کرد.

شعیثع در یکی از سفرهای گذشته‌اش به ایران برداشت خود از ایران را این گونه بیان کرده است: «ایران کشوری است که به نظر من همه ملل مسلمان باید به آن اقتدا کرده و به موضع گیرهای آن افتخار کنند، رهبر شما رهبری است که خوی پیامبران را دارد، کدام مقام مملکتی و آن هم نفر اول یک کشور، بر زمین نمی‌نشیند و قرآن گوش می‌دهد؟ ... من خودم را ایرانی می‌دانم».

استاد شعیثع قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در سفری که به ایران داشت در شهرهایی نظیر تهران، مشهد، اصفهان و شیراز به تلاوت قرآن مبادرت کرد و بعد از انقلاب نیز به عنوان داور مسابقات بین‌المللی قرآن کریم به ایران سفر کرده است و اکنون یک‌بار دیگر و در سال‌های کهولت سن برای داوری بیست و پنجمین دوره مسابقات بین‌المللی ایران به کشورمان می‌آید.

اگرچه اکنون شعیشع به علت کهولت سن از اوج خود در تلاوت فاصله بسیاری گرفته است اما به طور قطع تجارب ارزنده‌ای در این زمینه دارد که می‌تواند مورد استفاده قاریان، مراکز و مجامع قرآنی کشور و همه علاقه‌مندان به قرآن قرار گیرد.

سخن آخر اینکه ده‌ها تلاوت از این قاری بزرگ جهان اسلام برجای مانده است که شنیدن تلاوت فرازهای آغازین سوره مبارکه «اسراء» به ویژه آیه «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و...» به همه علاقه‌مندان توصیه می‌شود.